



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

«مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی»

اصول راهنمای حاکمیت شرکتی برای

مؤسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی

(غیر از مؤسسات بیمه اسلامی - تکافل - و صندوقهای مشترک سرمایه گذاری)

از استانداردهای منتشره هیأت خدمات مالی اسلامی

(دسامبر ۲۰۰۶)

برگردان: مهدی کاظمیان

زیر نظر: عبدالمهدی ارجمندنژاد

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۲	سخن آغازین
	اصول راهنما
۶	بخش ۱: رویکرد کلی برای حاکمیت در موسسات خدمات مالی اسلامی
۱۱	بخش ۲: حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری
۱۹	بخش ۳: تطبیق با مقررات و اصول شریعت
۲۲	بخش ۴: شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری
	مبانی و اهداف اصول راهنما
۲۵	مقدمه
۲۷	بخش ۱: رویکرد کلی برای حاکمیت در موسسات خدمات مالی اسلامی
۳۴	بخش ۲: حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری
۳۹	بخش ۳: تطبیق با مقررات و اصول شریعت
۴۴	بخش ۴: شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری
۴۶	تعاریف
۴۸	ماخذ

سخن آغازین

۱- این سند در برگیرنده هفت اصل راهنما (که از این پس "اصول راهنما" خوانده می‌شود) از الزامات احتیاطی حاکمیت شرعی برای موسساتی است که صرفاً خدمات مالی اسلامی ارائه می‌دهند. البته به استثناء موسسات: الف) موسسات بیمه اسلامی (تکافل) و ب) صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک اسلامی^۱. این اصول به چهار بخش زیر تقسیم شده‌اند:

الف- رویکرد کلی برای حاکمیت در موسسات ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی^۲.

ب- حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری.

پ- تطبیق با مقررات و اصول شریعت اسلامی.

ت- شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری.

۲- اصول راهنما به منظور سهولت موسسات خدمات مالی اسلامی در شناسایی موقعیت‌هایی تدوین شده که ساختارها و فرایندهای مناسبی را برای حاکمیت نیازمند می‌باشند. ضمن آن که بهترین شیوه‌ها را نیز در رابطه با این‌گونه از مسایل توصیه می‌نماید. الحاقیه این سند در حقیقت منبعی برای راهنمایی موسسات در درک استدلال‌های منطقی و اهداف هر یک از اصول به شمار می‌رود. هدف این سند تقویت ذی‌نفعان از طریق بالابردن سطح دانش و آگاهی در خصوص مسائل حاکمیتی محیط به موسسات است تا به عنوان مرجعی قابل استناد شناخته شده و نیز بتواند ابزاری باشد در جهت پایش و پشتیبانی از ارتقای حاکمیت در موسسات. اصول راهنما به دنبال این نیست که ساختار مقرراتی جدیدی را با توجه به قوانین، مقررات و نظام نامه‌های ملی موجود تنظیم نماید بلکه در نظر دارد تا موسسات را در جهت تقویت ساختارهای حاکمیت شرکتی موجود کمک نماید؛ همچنین مقام‌های نظارتی را نیز در راستای ارزیابی کیفی چنین ساختارهایی مساعدت نماید.

^۱ از آنجایی که موسسات بیمه اسلامی (تکافل) و صندوقهای مشترک سرمایه‌گذاری مشتمل بر بخشهای مختلفی از صنعت خدمات مالی اسلامی می‌باشند، این سند موسسات مورد اشاره را از قلمرو موضوعی خود خارج نموده است. هیات خدمات مالی اسلامی معتقد است که پرداختن به موضوع حاکمیت در این گونه موسسات، مناسب است که به طور مجزی مورد بحث قرار گیرد و برنامه‌هایی نیز در این خصوص در دست اقدام دارد.

^۲ که از این پس موسسات خدمات مالی اسلامی نامیده می‌شود.

به کارگیری اصول راهنما می‌بایست متناسب با اندازه، پیچیدگی، ساختار، اهمیت اقتصادی، طبیعت ریسک موسسات و گروهی که بدان تعلق دارند (اگر وجود دارد) صورت پذیرد. کاربرد استانداردهای حاکمیت شرعی در هر نظام حقوقی بستگی به قوانین، مقررات و نظام‌نامه‌های مرتبط و انتظارات نظارتی دارد.

۳- از آنجایی که ویژگی اصلی موسسات خدمات مالی اسلامی التزام به اصول و مقررات شریعت اسلامی است، این سند فقط مشتمل بر الزامات احتیاطی است که هدفش اطمینان از تطبیق با شریعت توسط موسسات در موضوع حاکمیت شرکتی می‌باشد. البته نباید این گونه استنباط شود که این نظرات در تایید نظر فقهی خاص یا فتوایی به خصوص می‌باشد.

۴- برخی مسایل حاکمیت شرکتی از درجه اهمیت یکسانی برای تمامی موسساتی که خدمات مالی ارائه می‌دهند برخوردار می‌باشد، خواه در موسسات مالی اسلامی و خواه سایر موسسات. هیات خدمات مالی اسلامی اذعان دارد نهادهای بسیاری که به دنبال ارتقای حاکمیت شرکتی مطلوب می‌باشند، قواعد و شیوه‌هایی را در این خصوص ارائه داده‌اند که به عنوان استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده و می‌تواند مورد استفاده موسسات خدمات مالی اسلامی نیز قرار گیرد.^۳ بر این مبنا هیات قصد ندارد که اصطلاحاً "چرخ را مجدداً اختراع کند" و ساختار جدیدی برای حاکمیت شرکتی طراحی کند. بلکه اصول راهنما بر آن است تا استانداردهای شناخته شده و موجود بین‌المللی را به منظور حاکمیت شرکتی مطلوب با توجه به ویژگی‌های خاص موسسات خدمات مالی اسلامی تکمیل نماید.^۴

۵- واضح است که مسئولیت امانت داری موسسات خدمات مالی اسلامی در قبال مشتریان در برگیرنده نخستین تعهد موسسات جهت تطبیق با اصول و مقررات شریعت اسلامی در هر زمانی است. در راستای این ویژگی منحصر به فرد صنعت خدمات مالی اسلامی، از اصول راهنما انتظار رویکردی متوازن برای موسساتی می‌رود که به دنبال ایجاد ارزش برای سهامداران بوده و همزمان می‌بایست به منافع ذی‌نفعان نیز توجه نمایند.

^۳ برای مثال، اصول پذیرفته شده حاکمیت شرکتی از سوی بسیاری همان است که از سوی سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی برای اولین بار در سال ۱۹۹۹ منتشر و در سال ۲۰۰۴ مورد بازنگری قرار گرفت که همچنان نخستین مرجع در بسیاری نظام‌های حقوقی جهت تدوین مقررات بومی است. کمیته نظارت بانکی بازل نیز سندی را با عنوان "بهبود حاکمیت شرکتی موسسات بانکی" در سال ۱۹۹۹ منتشر نمود که در سال ۲۰۰۶ مورد بازنگری قرار گرفت. این سند شیوه‌ها و اصولی را مرتبط با حاکمیت شرکتی در بانکها مشخص نموده که در امتداد ساختار طراحی شده توسط سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی است.

^۴ متقابلاً اصول راهنما مناسب دیده است که از تعاریف "حاکمیت شرکتی" و "ذی‌نفعان" اصول سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و مقاله کمیته نظارت بانکی بازل به همراه برخی تعدیلات جهت متناسب سازی آن با زمینه فعالیت موسسات خدمات مالی اسلامی استفاده نماید. در بخش تعاریف، این واژگان تعریف شده‌اند.

۶- هیات خدمات مالی اسلامی با سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی و کمیته نظارت بانکی بازل در این موضوع اتفاق نظر دارند که هیچ مدل واحدی از حاکمیت شرکتی وجود ندارد که در هر کشوری به خوبی عمل نماید؛ چه بسا هر سازمانی نیز می‌بایست مدل مربوط به خود را که نیازها و اهدافش را تأمین می‌نماید، به کار ببرد. بر این اساس، این سند را می‌بایست یک قطعه کاری در حال تکمیل با هدف ارتقای حاکمیت شرکتی کارا دانست و نباید آن را صرفاً به عنوان چک لیست تطبیق در نظر گرفت.

۷- با وجود توسعه بسیار سریع در دهه‌های اخیر، نباید فراموش کرد که صنعت خدمات مالی اسلامی هنوز در مراحل ابتدایی است. هرگونه رویکرد مبتنی بر مقررات خشک که با شتاب‌زدگی و به منظور تقویت حاکمیت شرکتی در موسسات خدماتی مالی اسلامی دنبال شود ممکن است توان بالقوه و رشد سالم موسسات را به خطر انداخته و یا به تعویق بیندازد. علاوه بر این، مقررات محکم و سریعی را نمی‌توان در پرورش فرهنگ حاکمیت شرکتی در موسسات به کار گرفت. انتظار می‌رود که با ایجاد محیطی فعال و دادن زمان و مشوقهای کافی به موسسات، فرهنگ حاکمیت شرکتی مطلوب در صنعت خدمات مالی اسلامی تقویت و پیشرفت نماید.

۸- در راستای التزام به اصول راهنما، موسسات خدمات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کنند که تمامی موارد افشا شده به مقامهای نظارتی یا به عموم از دو مولفه زیر تشکیل شده است:

الف- به عنوان مؤلفه اول، موسسات می‌بایست گزارش دهند که چگونه این اصول راهنما را به کار می‌گیرند. موسسات ممکن است خودشان شکل و محتوای افشا را بر مبنای خط‌مشی حاکمیت و در پرتو اصول راهنما تعیین نمایند؛ به طوری که تحت شرایط خاص منجر به اتخاذ رویکردی ویژه گردد.

ب- به عنوان دومین مولفه، موسسات ممکن است خود را با شرایط اصول راهنما تطبیق دهند و یا در غیراینصورت، توضیحات و دلایل روشن و کافی را برای عدم تطبیق ارائه نمایند. از طریق رویکرد "تطبیق یا توضیح"، به کارگیری این اصول راهنما می‌بایست در برگیرنده چارچوبهای حقوقی متنوعی باشد که موسسات در آن نظامها فعالیت می‌نمایند و لازم است متناسب با اندازه، پیچیدگی و ماهیت هریک از موسسات باشد.^۵

⁵ رویکرد "تطبیق یا توضیح" بر مبنای ایده نظم بازار بنا می‌شود؛ بطوریکه ذی نفعان را قادر می‌سازد تا نسبت به ترتیبات حاکمیتی نامطلوب یا افشانمودن پایین تر از استاندارد واکنش نشان دهند (مواردی که ممکن است ناصحیح، ناقص و یا گمراه‌کننده باشد). تحریمهای ذی نفعان ممکن است از آسیب به شهرت موسسات خدمات مالی اسلامی تا از دست رفتن اعتماد مدیران- مجبور نمودن مدیران به ترک و اقدامات قانونی براساس مفاد قرارداد متغیر باشد.

۹- درحالیکه اصول راهنما بر کنترل‌های حاکمیت شرکتی داخلی و خارجی مرتبط از منظر موسسات خدمات مالی اسلامی تمرکز دارد، به منظور قابل اجرا نمودن چارچوب‌ها لازم است تا این موضوع از سوی مقامهای نظارتی حمایت و تسهیل گردد.

بطور خاص، مقامهای نظارتی می‌بایست از ابزارهای اجرایی کافی همچون قدرت افشاسازی ضروری، اعمال ترتیبات انضباطی همچون تذکر و جریمه به دلیل عدم تطبیق عمدی و تکرار شونده برخوردار باشند.

اصول راهنما

بخش ۱: رویکرد کلی حاکمیت موسسات خدمات مالی اسلامی

اصل ۱-۱-: موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست یک چارچوب سیاست حاکمیتی جامع ایجاد کند که نقشها و وظایف راهبردی هر یک از عناصر حاکمیت مشخص گشته و مکانیزمهایی برای توازن پاسخگویی موسسات در قبال ذی نفعان مختلف داشته باشند.

ساختار و فرایند

۱۰- لازم است موسسات خدمات مالی اسلامی یک چارچوب سیاست حاکمیتی جامع ایجاد کنند که آنها را در ترویج فرهنگ حاکمیت مطلوب راهنمایی نماید. در این چارچوب، موسسات قادر به تعیین موارد زیر خواهند بود:

الف- نقشها و وظایف راهبردی هر عنصر حاکمیت، مشتمل بر هیات مدیره^۶، کمیته‌های مربوط به آن، مدیریت اجرایی، هیات نظارت شرعی، حساب‌رسان داخلی و خارجی و غیره.

ب- مکانیزمهایی جهت توازن در پاسخگویی هر عنصر حاکمیت به ذی نفعان مختلف.

۱۱- به عنوان اولین مرجع، موسسات خدمات مالی اسلامی باید توصیه‌های قابل اجرا از استانداردهای بین‌المللی پذیرفته شده حاکمیت شرکتی همچون اصول سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی و مقاله کمیته نظارت بانکی بازل را پذیرا باشند. مضافاً اینکه موسسات می‌بایست خود را با دستورات و بخشنامه‌های احتیاطی مقام‌های نظارتی تطبیق دهند. پس بایسته است موسسات از این اصول راهنما همچون التزام به احکام و اصول شریعت تبعیت نمایند.

۱۲- هر موسسه خدمات مالی اسلامی مجاز است که چارچوب سیاست حاکمیت را متناسب با الگوی کسب و کار خود وضع نماید؛ به هر حال، نباید از بهترین شیوه‌های شناخته شده بین‌المللی (عمدی یا سهوی) چشم پوشی نمود. چنانکه موسسات می‌بایست جهت بهبود سازگاری چارچوب سیاست حاکمیتی با بهترین شیوه‌های مستمر بین‌المللی تلاش نمایند؛ از جمله بهترین شیوه‌های توصیه شده در متن حاضر که هدف نهایی آن وضع حاکمیت شرکتی بی نقصی است که موسسات خدمات مالی اسلامی را متمایز می‌گرداند.

^۶ در برخی نظامها که از سیستم دوگانه‌ای برخوردارند، اصطلاح "هیات مدیره" به "هیات نظارت" اطلاق می‌شود نه "هیات مدیریت".

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۱۳- هیات مدیره موسسه خدمات مالی اسلامی لازم است به عنوان سیاستگذار داخلی نهایی، مسئولیت تدوین چارچوب سیاست حاکمیت شرکتی را بر عهده داشته باشد. هیات مدیره باید یک کمیته حاکمیت متشکل از حداقل ۳ عضو تشکیل دهد که هماهنگ کننده و تکمیل کننده اجرای چارچوب سیاست حاکمیت باشد. کمیته حاکمیت ممکن است برای نمونه از اعضا زیر تشکیل شود:

الف- یکی از اعضای کمیته حسابرسی؛

ب- کارشناس شرعی (می تواند یکی از اعضای هیات نظارت شرعی موسسه باشد)؛

پ- یک عضو غیرموظف هیات مدیره (که بر مبنای تجربه و توانمندی جهت مشارکت در این فرایند انتخاب شده باشد).

هر نوع افزایش در اعضای کمیته حاکمیت بهتر است از مدیران غیرموظف مستقل صورت پذیرد تا از مدیران غیرمستقل.

۱۴- اختیارات زیر می بایست به کمیته حاکمیت داده شود:

الف - نظارت و پایش اجرای چارچوب سیاست حاکمیت با همکاری مدیریت، کمیته حسابرسی و هیات نظارت شرعی؛

ب - ارائه گزارش و توصیه‌هایی به هیات مدیره بر پایه یافته‌ها در خلال عمل به وظایف.

۱۵- نقش‌ها و وظایف کمیته حاکمیت نباید با نقش‌ها و وظایف کمیته حسابرسی تداخل یا همپوشانی پیدا کند.^۷ در واقع نقش کمیته حاکمیت می بایست تکمیل کننده کمیته حسابرسی در برخی از وظایف حاکمیت با ملاحظه موارد زیر باشد:

الف- کمیته حسابرسی خود تعهدات زیادی دارد که ممکن است در این صورت بار اضافه‌ای را علاوه بر مسئولیت‌های اصلی‌اش به آن تحمیل نماید.

ب- ممکن است تعارضی میان منافع صاحبان سهام و سپرده‌گذاران به ویژه هنگامی که وجوه درآمیخته می شود، روی دهد که مواجهه با آن برای کمیته حسابرسی سخت خواهد بود. اگر کمیته حسابرسی در وهله نخست از منظر منافع صاحبان سهام و کمیته حاکمیت از منظر منافع سپرده‌گذاران اقدام به پایش نماید، وظایف و مسئولیت‌های این دو کمیته شفاف تر و متمرکزتر خواهد بود؛

⁷ به پاراگراف ۱۹ تا ۲۰ مراجعه شود.

پ- کمیته حاکمیت می‌بایست بر خصوصیات موسسات خدمات مالی اسلامی تمرکز داشته باشد.

۱۶- بر این اساس، هیات مدیره باید در تعیین اعضای کمیته حاکمیت اطمینان حاصل کند که هر عضو قادر به مشارکتی ارزش آفرین در کمیته می‌باشد. ضمن آن که نگاه متنوع و تجربه در میان اعضا نیز مد نظر می‌باشد، چرا که دیدگاه یکسان ممکن است منجر به تمرکز بیش از حد بر یک مسیر گردد. بنابراین، اصول راهنما از دیدگاهی پشتیبانی می‌کند که :

الف - ترجیح آن باشد که ریاست کمیته حاکمیت بر عهده مدیر غیر موظف مستقل باشد. رئیس کمیته حاکمیت نه تنها باید دارای مهارت‌هایی همچون توانایی خواندن و درک صورت‌های مالی باشد بلکه باید قادر به هماهنگی و پیوند میان نقش‌ها و وظایف کمیته حاکمیت و کمیته حسابرسی باشد؛

ب - لازم است یک کارشناس دینی از اعضای هیات نظارت شرعی تعیین شود تا کمیته حاکمیت را در مسائل مرتبط با شریعت هدایت نماید، همچنین هماهنگی و پیوند میان نقش‌ها و وظایف مکمل کمیته حاکمیت و هیات نظارت شرعی ایجاد کند.

پ - سومین عضو کمیته حاکمیت ترجیحاً مدیر مستقل غیرموظفی باشد که برخوردار از مهارت‌هایی همچون کارشناسی حقوقی و کسب و کار باشد؛ به طوری که هیات مدیره به طور خاص آن را به منظور پرورش فرهنگ مطلوب حاکمیت شرکتی مرتبط شناخته و مقام نظارتی نیز آن را "مناسب و شایسته" تلقی نماید.^۸

۱۷- تاکید می‌گردد از آنجاییکه هدف اساسی کمیته حاکمیت حفظ منافع ذی‌نفعان نسبت به صاحبان سهام می‌باشد نباید با کمیته حاکمیت به سان کمیته‌های دیگر هیات مدیره رفتار شود. بلکه می‌بایست نگاه ویژه‌ای توسط مقام‌های نظارتی به این کمیته مبذول گردد.^۹ در صورتی که اختلافی بین کمیته حاکمیت و کمیته حسابرسی روی دهد، هیات مدیره مسولیت نهایی رفع اختلافات را برعهده دارد.

اصل ۱-۲: موسسات خدمات مالی اسلامی باید اطمینان حاصل کنند که گزارش‌گری اطلاعات مالی و غیرمالی مطابق با استانداردهای شناخته شده بین‌المللی حسابداری منطبق با اصول و مقررات

^۸ در بهترین سناریو، هر کمیته می‌بایست رئیس جداگانه‌ای داشته باشد؛ از این رو در صورت امکان، رئیس کمیته حاکمیت نباید رئیس کمیته دیگری باشد. با این حال، برای نماینده کمیته حسابرسی کفایت می‌کند که عضو کمیته حاکمیت نیز باشد. این امر اجازه خواهد داد که فهم مورد نیاز از مسایل مالی صورت می‌گیرد. علاوه بر این و البته ترجیحاً، عضو سوم کمیته حاکمیت نباید عضو کمیته حسابرسی یا هیات نظارت شرعی باشد. تبعیت از چنین توصیه‌ای موجب می‌گردد که طیف وسیعی از دیدگاه‌ها در کمیته حاکمیت بیان شود.

^۹ این در راستای مقاله کمیته نظارت بانکی بازل است که موسسات بانکی را ملزم به داشتن خط‌مشی‌های مناسب جهت شناسایی، پیش‌گیری یا مدیریت تعارض‌های احتمالی منافی می‌نماید که از فعالیت‌های مختلف کسب و کار ناشی می‌گردد.

شریعت صورت گرفته و از قابلیت اجرایی در صنعت خدمات مالی اسلامی برخوردار بوده و توسط مقام‌های نظارتی هر کشور نیز شناخته شده باشد.

ساختار و فرایند

۱۸- همچنان که فعالیت‌ها و تاثیرات صنعت خدمات مالی اسلامی بر چارچوب نظام مالی جهانی در حال افزایش است، موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست خود را ملتزم به استانداردهای گزارش‌گری شناخته شده جهانی بدانند. از این‌رو موسسات می‌بایست اطمینان حاصل کنند که گزارش‌گری اطلاعات مالی و غیرمالی منطبق با استانداردهای بین‌المللی حسابداری به ویژه مرتبط با خدمات مالی اسلامی تهیه شده است. اهمیت فرایندهای حسابداری مناسب برای حاکمیت مطلوب در خلال موارد زیر احساس می‌شود:

الف- بهره‌گیری از خدمات حسابداران و مشاوران و یافته‌های حساب‌رسان به شیوه‌ای موثر و به موقع به منظور پاسخ‌گویی به هر نوع مشکل شناسایی شده؛

ب- حفظ استقلال حساب‌رسان داخلی و خارجی و همچنین عملیات تطبیق^{۱۰}.

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۱۹- هیات مدیره هر موسسه خدمات مالی اسلامی باید یک کمیته حسابرسی متشکل از حداقل ۳ عضو (یک رئیس گروه و دو عضو) تشکیل دهد به طوری که این افراد توسط اعضای غیرموظف هیات مدیره انتخاب و از تخصص کافی و مرتبط با تحلیل‌گری صورت‌های مالی و اسناد برخوردار باشند. کمیته حسابرسی موظف است به:

الف- بررسی و پایش کل فرایند حسابداری موسسه از طریق همکاری نزدیک با حساب‌رسان داخلی و خارجی؛

ب- ارائه گزارش و توصیه‌هایی به هیات مدیره؛ به ویژه در خصوص تطبیق با استانداردهای بین‌المللی شناخته شده حسابداری که قابل اجرا در صنعت خدمات مالی اسلامی نیز می‌باشند.

۲۰- دیدگاه اصول راهنما این است که رهنمودهای کافی در خلال اسناد مختلف در رابطه با مقوله کمیته حسابرسی موجود است^{۱۱}. این اسناد می‌بایست توسط موسسات خدمات مالی اسلامی

^{۱۰} درحالی که تعاریف استقلال برای مدیران، حساب‌رسان داخلی، واحد تطبیق و هیات نظارت شرعی در میان نظام‌های مختلف تفاوت داشته و غالباً در مقررات و استانداردهای نظارت نیز این چنین منعکس شده است، لیکن اصول راهنما خصیصه اصلی استقلال را اجرای قضاوتی سالم بعد از بررسی جمیع اطلاعات مرتبط و بدون تاثیرپذیری از مدیریت یا منافع خارجی می‌داند. هرچقدر مقام‌های نظارتی آزمون‌های دقیقی را درخصوص استقلال یا عدم استقلال واحدهای حاکمیت به اجرا گذارند، به همان میزان می‌توانند از وجود طرف یا طرف‌های تاثیرگذار بر موسسات خدمات مالی اسلامی به شکل سوء استفاده یا دستکاری، اطمینان حاصل کنند.

مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا اطمینان حاصل شود که در کمیته حسابرسی به منظور تمرکز بر وظیفه اصلی‌اش که همانا نظارت به نیابت از ذی‌نفعان در خصوص کنترل‌های گزارش‌گری مالی و رویه‌های اجرایی به کار گرفته شده توسط مدیریت می‌باشد، به خوبی تجهیز و پشتیبانی شده است. کمیته حسابرسی می‌بایست بررسی‌های دوره‌ای را با اشخاص مسئول برای عملیات تطبیق موسسات به انجام رساند تا مطمئن گردد که موسسه به طور کامل با الزامات اجرایی مطابقت دارد.

۲۱- بایسته است کمیته حسابرسی با هیات نظارت شرعی و کمیته حاکمیت هماهنگ و در ارتباط باشد تا مطمئن گردد که اطلاعات منطبق با اصول و قوانین شریعت اسلامی توسط موسسات خدمات مالی اسلامی به شکلی کافی و به موقع گزارش می‌گردد.

¹¹ به عنوان مثال، مراجعه شود به مقاله کمیته نظارت بانکی بازل، قانون آمریکایی آکسلی ساربان و گزارش‌های اسمیت مربوط به انگلستان - راهنمای مقررات ترکیبی کمیته حسابرسی برای سال ۲۰۰۳.

بخش ۲: حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری

اصل ۱-۲: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری را در پایش عملکرد سرمایه‌گذاری و ریسکهای مرتبط به رسمیت شناخته و ابزار کافی برای تضمین اعمال این حقوق وضع نمایند.

فرایند و ساختار

۲۲- به صورت مفهومی و تحت اصل مضاربه، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به عنوان "رب المال" (مالک دارایی) متحمل ریسک از دست دادن وجوه سرمایه‌گذاری شده توسط موسسات خدمات مالی اسلامی (به عنوان مضارب) می‌شوند. این بدان معناست که ریسک سرمایه‌گذاری این گروه مشابه ریسک از دست دادن سرمایه سهامداران به عنوان سرمایه‌گذار در موسسات می‌باشد. به هر حال، موسسه تحت عقد مضاربه و به عنوان مضارب وظیفه امانت داری نسبت به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری برعهده دارد که به موازات وظیفه‌اش در قبال سهامداران می‌باشد. در این زمینه باید توجه نمود که منظور از موسسه به عنوان مضارب، هم مدیریت و هم سهامداران می‌باشد، نه فقط مدیریت به تنهایی. بنابراین، همواره در مباحث مربوط به وظیفه امانت داری موسسات نسبت به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری می‌بایست مدیریت و سهامداران را مشترکاً و به عنوان مضارب در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و به عنوان مالک دارایی مسئول قلمداد نمود.

۲۳- در این خصوص و تحت عقد مضاربه که خواه سرمایه‌گذاری مطلق باشد و یا مقید موسسات خدمات مالی اسلامی وظیفه امانت داری در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری دارند، به طوری که منافع این گروه نباید کمتر از صاحبان سهام موسسه باشد. به بیانی دیگر، اگرچه سهامداران به عنوان سرمایه‌گذار در داراییهای موسسات با صاحبان حساب سرمایه‌گذاری متساوی می‌باشند^{۱۲}، لیکن آنها به عنوان طرف مضارب در عقد مضاربه وظیفه امانت داری در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری داشته و می‌بایست از منافع ایشان نیز حمایت نمایند^{۱۳}.

۲۴- از این رو شایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری را در موقعیت یکسانی با صاحبان سهام موسسات قرار دهند که این امر از طریق به رسمیت

¹² سهامداران و صاحبان حساب سرمایه‌گذاری هر دو از اولویت یکسانی در دارایی‌هایی که تامین مالی آن براساس وجوه درآمخته شده مشترک صورت می‌گیرد، برخوردار می‌باشند. در جایی که وجوه حساب جاری (بدون سود) نیز در همین منبع درآمخته شود، دارندگان حساب جاری با توجه به سهم صاحبان سهام از دارایی‌ها طلبکار می‌باشند نه نسبت به سهم صاحبان حساب سرمایه‌گذاری. این موضوع نشأت گرفته از ماهیت قرارداد منطبق با شریعت است که به موجب آن وجوه صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شود.

¹³ در برخی نظامهای حقوقی، فعالیت سپرده‌گیری موسسات براساس عقد ودیعه یا وکالت و نه مضاربه صورت می‌گیرد، در این صورت موسسات مسئول امانت داری در قبال این نوع از سپرده‌گذاران بوده و اصول راهنما نیز در این رابطه مناسب است.

شناختن به موقع حق ایشان در دسترسی به اطلاعات مرتبط با حسابهای سرمایه‌گذاری حاصل می‌گردد. این اقدام باعث کمک به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری جهت اخذ تصمیم آگاهانه به منظور سرمایه‌گذاری وجوه در حسابهای سرمایه‌گذاری می‌گردد (به طور مثال، ممکن است موسسات انواع مختلفی از حسابهای سرمایه‌گذاری مقید را پیشنهاد دهند). در شرایطی که چارچوب مقررات محلی به گونه‌ای باشد که برای اجرای چنین حقوقی توسط صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مهیا نباشد، مقامهای نظارتی می‌بایست نقش حمایتی خود را از منافع این نوع صاحبان حساب بیش از سهامداران ایفا نمایند، البته به شرطی که در تطابق با اصول و مقررات شریعت باشد.

۲۵- حق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در پایش عملکرد سرمایه‌گذاری نمی‌بایست به عنوان حق مداخله در مدیریت سرمایه‌گذاری توسط موسسات خدمات مالی اسلامی تعبیر شود. باید توجه نمود، حق رای سهام داران در مجامع عمومی، انتصاب مدیران و حسابرسان و دسترسی به اسناد موسسه را نباید به عنوان دخالت در مدیریت محسوب نمود. از این رو مناسب است موسسات اقدام به افشای خطمشی‌ها و فعالیتهایی نمایند که در ارتباط با حساب‌های سرمایه‌گذاری ارائه شده باشد.

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۲۶- موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست همواره ضمن آگاهی از مسئولیت امانت‌داری، در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری نیز پاسخگو باشند. این پاسخگویی مشتمل بر اطمینان بخشی از استمرار مدیریت حساب سرمایه‌گذاری در ضمن توافقات نیز می‌باشد. پیش از افتتاح هر نوع حساب سرمایه‌گذاری نزد موسسات، لازم است که توصیه‌های کافی از حقوق قرارداد منعقد و ریسکهای مرتبط با محصولات حساب سرمایه‌گذاری مشتمل بر راهبردهای اساسی سرمایه‌گذاری، تخصیص دارایی و روش محاسبه سود و زیان سرمایه‌گذاری توسط موسسات ارائه گردد.

۲۷- مطابق با اصول حاکم بر قراردادهای حساب سرمایه‌گذاری، شایسته است که موسسات حقوق صاحبان این نوع حساب را در پایش عملکرد سرمایه‌گذاری به رسمیت شناخته و ابزارهایی را برای اجرای آن وضع نمایند. همچنین لازم است کمیته حسابرسی مسئولیت حمایت از این

حقوق را با تاکید بر افشای به موقع و موثر موارد مرتبط با صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و تطبیق بی‌نقص قراردادهای سرمایه‌گذاری برعهده گیرد.

۲۸- با هدف تبیین بیشتر، ممکن است ارتباط میان صاحبان حساب سرمایه‌گذاری موسسات با توجه به رابطه موجود در طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک مقایسه شود؛ به طوری که هریک از مشارکت‌کنندگان مدیریت سرمایه‌گذاری را به مدیران صندوق تفویض نمایند. ضمناً هریک از طرفهای طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک و صاحبان حساب سرمایه‌گذاری نیز بدین شکل عمل می‌کنند:

الف- قرار دادن داراییها درعهده مدیر صندوق به منظور سرمایه‌گذاری و مدیریت آنها (یعنی موسسه خدمات اسلامی در جایگاه صاحب حساب سرمایه‌گذاری و مسئول طرحهای سرمایه‌گذاری، در جایگاه شرکای این طرحها).

ب- تحمل ریسک از دست دادن سرمایه؛ و

پ- داشتن حقوق محدود در کنترل رفتار مدیر صندوق؛ اغلب اوقات آنها پایشان را کنار می‌کشند؛ به بیانی دیگر، اگر عملکرد مدیریت صندوق غیرقابل قبول باشد، آنها سرمایه‌شان را خارج می‌کنند.

۲۹- گرچه در بسیاری موارد، شرکای طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک از موقعیت بهتری نسبت به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری برخوردارند، لیکن مقررات اوراق بهادار معمولاً تاکید دارد که مسئولین این طرحها می‌بایست ملتزم به شرایط سختی پیش از ورود به طرحها شده باشند. شرکای طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک از حقوق بیشتری به خصوص در رابطه با دسترسی به اطلاعات برخوردارند^{۱۴}. مضافاً اینکه شرکای این طرحها غالباً ارزش خالص دارایی سرمایه‌گذاری را می‌دانند و این امر به ایشان اجازه می‌دهد تا سرمایه‌گذاری‌شان را به سرعت در بازار ثانویه به فروش رسانند.

۳۰- براین اساس اصول راهنما موسسات خدمات مالی اسلامی را ملزم به داشتن خطوط راهنمای داخلی می‌نماید که به صورت زیر مشخص می‌شود:

الف- اهلیت کارکنان موسسات که مسئول اداره نمودن حسابهای سرمایه‌گذاری موسسات می‌باشند.

¹⁴ برای مثال، مسئولین طرحهای سرمایه‌گذاری مشترک می‌بایست شرکای خود را با انتشار اطلاعات مربوط به طرحها و پیش از صدور اجازه در به کارگیری سرمایه‌گذاری‌ها مجیز سازند. همچنین سازمان بین‌المللی کمیسیونهای اوراق بهادار، اصولی را منتشر نموده که در آن افشای کافی هزینه‌ها و دستمزدهایی الزام شده که ممکن است توسط مدیر صندوق تحمیل گردد.

ب- حمایت کافی از سرمایه‌گذاری صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در حالتی که وجوه صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مطلق با وجوه سهامداران درآمیخته می‌شود.

پ- افشای اطلاعات مرتبط و با اهمیت به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری.

ت- مبنایی روشن و مناسب برای توزیع سود و خطمشی‌های سرمایه‌گذاری بر پایه انتظارات ریسک صاحبان حساب سرمایه‌گذاری.

۳۱- صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مقید حداقل از حق دستیابی به اطلاعاتی بهره‌مند خواهند بود که به طور معمول جهت مشارکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری در اختیار قرار می‌گیرد. صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مطلق مجاز به دستیابی به کلیه اطلاعات ضروری در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری- به طور ویژه، محاسبات و توزیع سود و خطمشی‌های سرمایه‌گذاری مؤسسات خدمات مالی اسلامی- می‌باشند.

۳۲- مؤسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست از همان ابتدای افتتاح حساب سرمایه‌گذاری، به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری با توجه به اصل مضاربه و به طور خاص در صورت انحلال اطلاع‌رسانی نمایند:

الف- صاحبان حساب سرمایه‌گذاری صرفاً به نسبت سرمایه‌گذاری متحمل زیان می‌شوند.

ب- مؤسسات مسئول زیانهای ناشی از اهمال، خلاف‌کاری یا اخلال در عقد سرمایه‌گذاری هستند.

پ- صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مقید، متعهد به هر نوع الزام شرکای دیگر در نتیجه قصور مؤسسات یا کاهش نقدینگی نمی‌باشند؛ مگر اینکه به طور خاص مرتبط با دارایی صاحبان این نوع حساب باشد. صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مطلق صرفاً متعهد به الزاماتی به نسبت سهم‌شان در وجوه درآمیخته شده می‌باشند.

۳۳- برای درک بهتر شئون و تاثیر الزامات در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری، مؤسسات می‌بایست از استاندارد کفایت سرمایه هیات خدمات مالی اسلامی و همچنین توصیه‌های مرتبط اصل شماره ۴ تحت عنوان "شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حساب‌های سرمایه‌گذاری" بهره‌گیرند.

اصل ۲-۲: بایسته است مؤسسات خدمات مالی اسلامی راهبرد سرمایه‌گذاری صحیحی را متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اتخاذ نموده (با در نظر گرفتن تمایز میان صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مقید و مطلق) و در خصوص تعدیل هر نوع بازده نیز شفاف باشند.

ساختار و فرایند

۳۴- لازم است موسسات خدمات مالی اسلامی نهایت تلاش خود را به منظور پیاده‌سازی راهبرد سرمایه‌گذاری متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و منطبق با عقود حساب سرمایه‌گذاری با این نوع از صاحبان حساب به کار گیرند؛ همچنین هر نوع شرطی از سوی این صاحبان حساب در زمان انعقاد قرارداد را نیز ملحوظ نظر قرار دهند.

۳۵- عموماً، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به دنبال سرمایه‌گذاری با ریسک کم و بازده با ثبات هستند (به کارگیری راهبرد سرمایه‌گذاری تدافعی)، در حالی که سهامداران راهبرد سرمایه‌گذاری نیرومندتر و تهاجمی‌تری که ریسک و بازده بالاتری دارد را ترجیح می‌دهند. همین امر باعث بروز تضاد منافع میان صاحبان حساب سرمایه‌گذاری میان صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و سهامداران در هنگام آمیخته شدن وجوه می‌گردد. تعدیل بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری ممکن است مشکل را کاهش دهد اما نمی‌تواند به طور بنیادی ریسک را از بین ببرد بلکه ممکن است تاثیر منفی نیز بر شفافیت داشته باشد.

۳۶- سود پرداختی به سهامداران ممکن است متفاوت و باثبات‌تر از سود (درآمد) متعلق به ایشان باشد؛ چنان که اختلافات به ذخایر اضافه و یا از آن کسر خواهد شد. به طور مشابه، مبلغ سود تقسیمی به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری ممکن است از سهم ایشان در درآمد موسسه متفاوت باشد. بسیاری از موسسات، خطمشی "تعدیل بازده" (همان سود توزیع شده) را برای صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و سهامداران با استفاده از ذخیره خاص و با عنوان ذخیره تعدیل سود به کار می‌گیرند. در حالیکه اصول راهنما این حقیقت را در نظر دارد که خطمشی تعدیل سود موسسات را قادر به پرداخت نرخ بازده رقابتی در سالهایی می‌نماید که نرخ سود صاحبان حساب سرمایه‌گذاری بر مبنای سهم‌شان از درآمد موسسات پایین‌تر از نرخ بازار باشد، ملاحظاتی نیز در خصوص شفافیت و پاسخگویی این خطمشی ارائه می‌نماید که به طور خاص عبارتند از:

- الف- سهم سود تحقق یافته صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و بهره برداری از ذخایر- از این رو افشای عملکرد سود موسسه برای این دسته از صاحبان حساب ممکن است کافی نباشد.
- ب- چنین خطمشی‌هایی ممکن است جهت پوشاندن این حقیقت به کار رود که موسسات وجوه صاحبان حساب سرمایه‌گذاری را به جای آنکه در دارایی‌های مناسب و کارا با بازده ثابت

تخصیص دهند، آن را در دارایی‌هایی با ریسک بالاتر نسبت به آن چه صاحبان حساب انتظار داشته‌اند، سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

۳۷- همان طور که سایر انواع ذخایر برای تعدیل بازده ایجاد می‌شود، ذخیره تعدیل سود نیز خود موضوعی است جهت مشکل تنظیم داخلی. از آنجایی که ذخایر از طریق کنار گذاشتن سهمی از سود قابل توزیع به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و سهامداران موجود ایجاد می‌گردد، ممکن است برخی از این صاحبان حساب که از سهم سودشان در سالهایی با سود بالاتر از میانگین صرفنظر کرده‌اند، هیچ نوع منفعتی کسب نمایند. این امر زمانی به وقوع می‌پیوندد که موسسه اقدام به توزیع وجوه از ذخیره تعدیل سود به منظور افزایش سود توزیعی بین صاحبان حساب سرمایه‌گذاری می‌نماید. در مقابل، اگر امروز صاحبان این نوع حساب اقدام به بستن حساب نمایند و روز بعد نیز موسسه مبادرت به استفاده از ذخیره تعدیل سود برای توزیع سود آتی کند، در این صورت صاحبان حساب سرمایه‌گذاری جدید که اصلاً مشارکتی در ذخیره تعدیل سود نداشته‌اند، از منافع توزیع نشده بهره‌مند می‌گردند. اصول راهنما اشاره دارد که در حالت اضطرار به تسویه موسسه، تصرف در ذخیره تعدیل سود مطابق با توافق انجام شده در زمان ایجاد این ذخیره براساس یکی از دو حالت زیر صورت می‌گیرد:

الف- توزیع میان صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و سهام داران موجود؛ یا

ب- اهدا به موسسات خیریه.

۳۸- از اینرو، موسسات می‌بایست شیوه‌ها، رویه‌های اجرایی و حقوقی را مشخص نماید که به طور کافی پاسخگوی هرگونه ابهام ناخواسته‌ای باشد که ممکن است منجر به موقعیت مشکوک اخلاقی گردیده و نوعی از غرر که مربوط به ذخیره تعدیل سود باشد را ایجاد نماید. لازم است در هنگام تسویه و در صورتی که ذخیره تعدیل سود بین صاحبان حساب سرمایه‌گذاری توزیع نگردیده، موسسه اقدام به افشا به شکل مناسب نماید.

۳۹- ذخیره تعدیل سود برای پوشش زیان یا تبدیل آن به سود به کار نمی‌رود، بلکه برای این منظور ذخیره دیگری تحت عنوان ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری به کار گرفته می‌شود، توجه داشته باشید که در خصوص ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری مشکل داخلی مشابه ذخیره تعدیل سود وجود دارد به طوری که صاحبان حساب سرمایه‌گذاری که در ایجاد این ذخیره نقش داشته‌اند ممکن است هیچ منفعتی عایدشان نشود و در عین حال برخی از صاحبان حساب سرمایه‌گذاری که اصلاً مشارکتی نداشته‌اند از آن منتفع گردند.

در خصوص ذخایر قابل انتساب به سهام‌داران این موضوع قابل ذکر است که اندازه این ذخایر به طور معمول در ارزش بازار سهام منعکس می‌شود و بدین ترتیب مشکل ساختاری داخلی مرتفع می‌گردد. البته هیچ نوع تاثیری از این دست بر ارزش حساب‌های سرمایه‌گذاری برای مبالغ موجود در ذخیره تعدیل سود یا ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری وجود ندارد. همچنین باید توجه نمود، با وجود آن که برخی سهامداران اصلی کنترل‌هایی بر خط‌مشی تقسیم سود و استفاده از ذخایر دارند که می‌بایست در مجامع عمومی سالانه به تصویب رسد، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری هیچ نوع کنترلی بر استفاده از ذخایر همچون ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری ندارند.

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۴۰- لازم است موسسه خدمات مالی اسلامی به هنگام وضع راهبرد سرمایه‌گذاری از طرف صاحبان

سرمایه‌گذاری، به دقت انتظارات ریسک و بازده ایشان را در نظر بگیرد:

الف- داشتن مکانیزم سیستماتیک و مناسب شناسایی مشتری که به طور موثر منعکس کننده

ویژگی‌های متفاوت ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مطلق و مقید است؛

ب- به کارگیری مدیران سرمایه‌گذاری واجد صلاحیت که فهم کاملی از نیازها و انتظارات

صاحبان سرمایه‌گذاری داشته باشند؛

پ- مطلع ساختن کامل کمیته حاکمیت از راهبرد سرمایه‌گذاری اتخاذ شده توسط موسسات،

در هر کجا که ضرورت ایجاب نماید.

۴۱- موسسه خدمات مالی اسلامی باید به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در خصوص شیوه‌های

تعدیل بازده از طریق انباشت یا برداشت از ذخایر همچون ذخیره تعدیل سود، اطلاع‌رسانی

نماید. همچنین لازم است موسسه، انتقال سود به چنین ذخایر یا برداشت از آن به منظور

افزایش سود توزیعی به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری را اطلاع‌رسانی نماید. از آنجائیکه

سهامداران می‌بایست در خصوص استفاده از ذخایر جهت پرداخت سود مطلع باشند، صاحبان

حساب سرمایه‌گذاری نیز به همین منوال از این حق برخوردارند تا از سرمایه‌گذاری‌هایی که به

نیابت از ایشان انجام شده و به نحو مطلوب اجرا نمی‌شود آگاه گردند: در خصوص سود

توزیعی بیشتر از سود واقعی سرمایه‌گذاری به دلیل تعدیل تصاعدی سود نیز وضعیت به همین

شکل می‌باشد.

۴۲- به منظور اطمینان از به کارگیری مناسب ذخیره تعدیل سود، کمیته حاکمیت می‌بایست این موضوع را مورد بررسی دقیق قرار داده و توصیه‌های مقتضی را به هیات مدیره ارائه دهد.

۴۳- مضافاً اینکه موسسه خدمات مالی اسلامی لازم است به طور شفاف و در هنگام افشای بازده به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری میان "نرخ توزیع" - منظور نرخ سود توزیعی- و "نرخ سود" - منظور سود واقعی دریافتی از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده به نیابت از ایشان تمایز قائل شود. همچنین به کارگیری ذخیره تعدیل سود باید به شکلی واضح جهت "تعدیل سود پرداختی" برای صاحبان حساب سرمایه‌گذاری نسبت به "تعدیل سود تحقق یافته" قابل درک باشد.

۴۴- به طور مشابه، هنگامی که موسسه خدمات مالی اسلامی مبادرت به ایجاد ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری به منظور بازداشتن از هرنوع زیان ناخواسته برای صاحبان حساب سرمایه‌گذاری نماید، به کارگیری ذخیره تعدیل سود باید تحت نظارت دقیق و منطبق با توصیه‌های کمیته حاکمیت به هیات مدیره باشد. بدین منظور به اصل (۴) جهت آگاهی از الزامات افشا با توجه به ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری مراجعه شود.

بخش سوم: التزام به اصول و احکام شریعت

اصل ۱-۳: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی مکانیزم مناسبی را برای دستیابی به احکام شریعت از طریق کارشناسان دینی، اجرای فتاوی و پایش التزام به شریعت در تمامی جنبه‌های ارائه محصولات، عملیات و فعالیت‌ها مورد نظر قرار دهند.

ساختار و فرایند

۴۵- چاره‌ای جز وجود تنوع نظرات شرعی به عنوان خصیصه پایدار صنعت خدمات مالی اسلامی نمی‌باشد. این موضوع به شکلی گسترده پذیرفته شده که الزامات اساسی برای فتاوی جدید همزمان با پیشرفت این صنعت و رویارویی با چالش‌های جدید احساس می‌شود. از اینرو بر کارشناسان دینی هر منطقه است که ارائه دهنده نظرات خود به شکلی موثر و مناسب جهت پاسخگویی به مشکلات امت اسلامی در منطقه خود باشند.

۴۶- هماهنگ‌سازی فتاوی در این صنعت به صورت خاص و در امت اسلامی به صورت عام می‌بایست به صورت مستمر دنبال شده و مورد تحسین قرار گیرد تا از فهم مشترک و تشریک مساعی بین کارشناسان دینی انتفاع حاصل شود.

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۴۷- از آنجاییکه ضمانت اصلی در درستی و اعتبار موسسات خدمات مالی اسلامی همانا التزام به شریعت می‌باشد و این موضوع نیز یکی از مسئولیتهای نهایی هیات مدیره می‌باشد، از اینرو هیات مدیره نیازمند ایجاد مکانیزمی است تا بتواند در صورت نیاز به سرعت و به شکلی کارا به مقررات از طریق کارشناسان دینی دسترسی پیدا کرده و همچنین التزام به شریعت را نیز پایش نماید. با توجه به الزامات مدل کسب و کار هر موسسه، ممکن است این کارشناسان از داخل و یا خارج موسسه انتخاب شده باشند.

۴۸- مکانیزم دستیابی به احکام شریعت از خلال کارشناسان دینی، تطبیق فتاوی و پایش التزام به شریعت مشتمل بر موارد زیر است:

- الف- تمامی جوانب قبل و بعد تراکنشهای مالی انجام شده توسط موسسات؛ منظور همان اطمینان از تطبیق عقود با شریعت و سپس انجام تعهدات بر مبنای عقود است.
- ب- عملیات موسسه که در برگیرنده مواردی همچون نظارت تطبیق شرعی، خط‌مشی‌های سرمایه‌گذاری، تصرف در درآمد غیرمنطبق با شریعت و فعالیت‌های خیریه است.

۴۹- لازم است موسسه خدمات مالی اسلامی در صورت ضرورت، در خصوص مکانیزمهای دست‌یابی به احکام شریعت از طریق کارشناسان، به کارگیری فتاوی و پایش تطبیق شرعی به مقامهای نظارتی اطلاع‌رسانی نموده و اطلاعات مشابه را نیز به عموم ارائه دهد.

۵۰- در خصوص نظارت تطبیق شرعی داخلی، هیات نظارت شرعی یا کارشناسان دینی موسسه می‌بایست با واحد مستقل نظارت شرعی یا حسابرسان تعیین شده داخلی/و یا ناظران شرعی همکاری نمایند. این امر هیات نظارت شرعی یا کارشناسان را قادر می‌سازد تا توصیه‌های خود را به واحد کنترل شرعی یا حسابرس داخلی تعیین شده /و یا ناظران شرعی در دامنه حسابرسی، بررسی‌های مورد نیاز را ارائه نمایند. از آنجایی که واحد کنترل شریعت یا حسابرسان داخلی تعیین شده/ یا ناظران شرعی مسئول تهیه گزارش داخلی تطبیق شرعی می‌باشند، از اینرو لازم است تا آموزشهای مرتبط و مناسب جهت تقویت مهارتهای نظارت تطبیقی با شریعت را فراگیرند.

۵۱- در خصوص نظارت تطبیق شرعی بیرونی، کمیته حسابرسی می‌بایست تا حد امکان اطمینان حاصل نماید که حسابرسان بیرونی قادر به انجام نظارت تطبیقی و البته اجرای آن در ضمن شروط مقرر می‌باشند.

۵۲- به منظور افزایش اعتماد عمومی نسبت به کارشناسان دینی مستقر در هیات نظارت شرعی، مقام نظارتی ممکن است مبادرت به تاسیس سازمان حرفه‌ای یا انجمنی برای کارشناسانی نماید که نزد موسسات خدمات مالی اسلامی و با توجه به نظام حقوقی کشور متبوع خود فعالیت می‌کنند.^{۱۵}

۵۳- در مقابل نیز ممکن است مقام نظارتی آزمون "تطابق و تناسب" را وضع نماید که به دقت و به وضوح معیارهای مورد نیاز را قبل از تعیین کارشناس دینی به عنوان عضو در هیات نظارت شرعی مشخص می‌نماید. همچنین این معیارها می‌تواند به عنوان شاخصی برای جلب اعتماد عمومی به هیات نظارت شرعی به شمار آید؛ همانند صلاحیتهای آکادمیک، آموزشهای حرفه‌ای، به رسمیت شناختن کارشناسان محلی و بین‌المللی شرعی و غیره.

¹⁵ به طور مثال و به عنوان یک گام مقدماتی، مقام نظارتی می‌تواند لیستی از کارشناسان خبره "متمد"، توانمند، باتجربه و واجد صلاحیت به عنوان مشاوران شرعی و با توجه به نظام حقوقی کشور متبوع خود انتخاب نماید. هنگامی که این لیست به اندازه کافی طولانی باشد، کارشناسان شرعی می‌توانند سازمان حرفه‌ای خود انتظام یا انجمنی تحت حمایت مقام نظارتی تشکیل دهند.

اصل ۲-۳: بایسته است موسسه خدمات مالی اسلامی خود را ملتزم به اصول و احکام شریعت نماید که توسط کارشناس دینی موسسه تبیین شده است. همچنین لازم است موسسه این مقررات را در اختیار عموم قرار دهد.

ساختار و فرایند

۵۴- اگرچه تنوع در نظرات شرعی ممکن است موسسات خدمات مالی اسلامی را دچار وسوسه نماید که بر فتاوی سایر کارشناسان غیر از کارشناسان دینی موسسات تمایل پیدا کنند لیکن موسسات نباید تابعیت و اطاعت خود را از فتاوی با راحت طلبی خود معاوضه نمایند. چنین عملی می تواند استقلال کارشناسان دینی را خدشه دار ساخته و تاثیر مخربی بر صداقت و اعتبار موسسات به طور خاص و برکل صنعت خدمات مالی اسلامی به طور عام داشته باشد. تاثیر منفی چنین فعالیتی بر شهرت موسسات و کل صنعت گزاف و ترمیم آن نیز مشکل خواهد بود. از این رو موسسات می بایست در به کارگیری و تطبیق اصول و قواعد شرعی صادره توسط کارشناسان از شفافیت برخوردار باشند^{۱۶}.

بهترین شیوه های توصیه شده

۵۵- لازم است موسسه خدمات مالی اسلامی ملتزم به اصول و احکام شرعی صادره از سوی کارشناسان شرعی موسسه باشد. این موارد می بایست از طریق وسایل ارتباط جمعی به شکلی مناسب در اختیار عموم قرار گیرد.

۵۶- موسسه خدماتی مالی اسلامی می بایست در صورت تقاضا، آماده ارائه توضیح در خصوص هر نوع تصمیمی جهت تطبیق با فتاوی صادره توسط کارشناسان باشد که البته چنین توضیحی لازم است با مشورت کارشناسان دینی صورت پذیرد. بطور مشابه، موسسه باید توضیحی شفاف و روشن در صورت عدم التزام به فتاوی صادره به عموم را نیز ارائه نماید.

۵۷- کارشناسان دینی موسسات خدمات مالی اسلامی، تشویق می شوند تا فتاوی خود را از طریق انتشار جزییات دیدگاهشان در معرض نظر کارشناسان دیگر قرار دهند. موسسات نیز می توانند به منظور ترویج بیشتر فتاوی صادره جهت عموم، اطلاعات را از طریق درگاه خویش منتشر نمایند. همچنین موسسات به عنوان بخشی از خدمات ارائه شده به مشتریان خود، اجازه می دهند که ایشان به فتاوی صادره دسترسی پیدا کنند.

¹⁶ در کشورهایی که مرکزیتی در صدور فتوی وجود دارد، بر موسسات است که خود را منطبق با مقررات چنین مرجعی نمایند. در غیر این صورت، اگر بنا به دلیلی موسسه به مقررات وضع شده التزام نداشته باشد، لازم است که به شکلی مناسب آن را به عموم توضیح داده و افشا نماید.

بخش چهارم: شفافیت گزارش‌گری مالی در رابطه با حسابهای سرمایه‌گذاری

اصل ۴: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی اطلاعات مرتبط و اساسی در خصوص حسابهای سرمایه‌گذاری که مدیریت می‌نمایند را به صورت کافی و به موقع جهت صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم افشا کنند.

۵۸- در امتداد حق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری جهت پایش عملکرد سرمایه‌گذاری‌های‌شان، لازم است در خصوص روشهای محاسبه سود، تخصیص دارایی، راهبردهای سرمایه‌گذاری و مکانیزمهای تعدیل بازده (در صورت وجود) در رابطه با حسابهای سرمایه‌گذاری به ایشان اطلاع‌رسانی صورت پذیرد.

۵۹- به اضافه موارد قبلی، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم می‌بایست در خصوص هر نوع تراکنش طرفهای مرتبط و رفتار موسسه در قبال رویدادهای مهم مطلع گردند. افشای کافی و به موقع چنین اطلاعات مهمی نقش حیاتی در ارتقای شفافیت، پاسخگویی و فرهنگ بهتر مدیریت ریسک در موسسه ایفا می‌کند.

۶۰- اغراق در ارائه اطلاعات به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری، موسسه را شفاف جلوه نمی‌دهد بلکه ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. به منظور جلوگیری از فزونی بیش از حد اطلاعات، افشا می‌بایست در اسلوبی منظم و به هنگام صورت پذیرد. هدف این نیست که صرفاً هر نوع اطلاعاتی افشا گردد بلکه افشای اطلاعات مرتبط و قابل اتکایی مورد نظر است که فهم و ارزیابی صحیح از کیفیت اداره حسابهای سرمایه‌گذاری برای صاحبان این نوع حساب فراهم می‌سازد.

۶۱- مهم است که اطمینان حاصل شود که اطلاعات به شکلی قابل مقایسه، قابل فهم، قابل خواندن و قابل اتکا بوده و به سهولت نیز قابل دسترسی می‌باشد؛ البته نه صرفاً برای صاحبان حساب سرمایه‌گذاری بلکه برای واسطه‌های اطلاعاتی مصرف‌کنندگان همچون رسانه، مشاوران مالی و انجمن‌های مصرف‌کنندگان نیز قابل دسترسی باشد. واسطه‌های مالی احتمال دارد که از اطلاعات به منظور جلب توجه به ویژگی‌های مثبت و منفی به شکلی موثرتر از مصرف‌کنندگان عادی استفاده نمایند. این فرایند از طریق عوامل زیر میسر می‌شود:

الف- استانداردسازی اصطلاحات و زبان؛

ب- مقیاسهای مقایسه پذیر یا روش هایی برای تشریح هزینه‌ها، ریسکها، محاسبه سود، تخصیص دارایی، راهبردهای سرمایه‌گذاری و مکانیزمهایی برای تعدیل بازده (در صورت وجود)؛ و

پ- دستیابی ساده به چنین اطلاعاتی - برای نمونه: از طریق اینترنت.

بهترین شیوه‌های توصیه شده

۶۲- اطلاعات در خصوص مبنای توزیع و تخصیص سود می‌بایست پیش از افتتاح حساب سرمایه‌گذاری در اختیار صاحبان حساب سرمایه‌گذاری قرار گیرد، به ویژه تحت عقد مضاربه که نسبت تسهیم سود باید از قبل مشخص شده باشد. همچنین اطلاعاتی که ممکن است از زمانی به زمان دیگر تغییر پیدا کند، همانند تغییرات قابل توجه در راهبردهای سرمایه‌گذاری، باید در بیانیه حساب سرمایه‌گذاری صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در صورت بروز تغییر توسط موسسه گنجانده شود. تخصیص دارایی نیز می‌بایست حسب مقرر در خلال صورتهای مالی موسسه گزارش شود.

۶۳- بهره‌برداری از ذخیره تعدیل سود برای هموار سازی بازده جهت صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و سهامداران و نیز استفاده از ذخیره تعدیل سود برای پوشش زیان (در صورت وجود)، موضوعی است که دارای منفعت عمومی بوده و می‌بایست از طریق نهادهای اصلی اطلاع رسانی و به همراه گزارش سالیانه موسسات عمومی سازی شود.

۶۴- بر موسسه خدمات مالی اسلامی است که اقدام به اعلان عمومی به موقع و کافی در گزارش سالیانه، درگاه و وسایل ارتباط جمعی اصلی به هنگام تغییرات اساسی در خطی‌مشی‌های محاسبه سود، تخصیص دارایی، راهبردهای سرمایه‌گذاری و مکانیزمهای تعدیل بازده (در صورت وجود) در خصوص حسابهای سرمایه‌گذاری تحت مدیریت خود نماید.

۶۵- موسسات خدمات مالی اسلامی ترغیب می‌شوند تا در گزارش سالیانه‌شان خط‌مشی مرتبط با حسابهای سرمایه‌گذاری که مورد تأیید هیات مدیره نیز قرار گرفته است را منتشر نمایند. مضافاً اینکه توصیه می‌شود موسسه اقدام به افشای موارد دیگری بر مبنای توصیه‌های کمیته نظارت بانکی بازل در شکل و رسانه ای قابل دسترسی جهت صاحبان حساب سرمایه‌گذاری نماید (برای مثال، درگاه عمومی و گزارش سالیانه) که عبارتند از:

الف- اطلاعاتی در خصوص هیات مدیره - برای مثال، آئین نامه‌ها، اندازه، عضویت، فرایند انتخاب، صلاحیتها، عضویت در هیات مدیره‌های دیگر، معیارهای استقلال، منافع اصلی در

تراکنشها یا مسایلی که بر موسسات تاثیرگذار است و عضویت در کمیته (مشمول بر شروط مراجعه و مسئولیتها، با اشاره ویژه به کمیته حاکمیت یا معادل آن و وظیفه التزام به شریعت) و مدیریت ارشد (مسئولیت، خطوط گزارش‌گری، صلاحیتها و تجربیات)؛

ب- ساختار مالکیت اصلی- برای مثال، سهامداران اصلی و حق رای، صاحبان منافع، مشارکت سهامداران اصلی در هیات مدیره یا وظایف مدیریت ارشد و اجتماعات سهامداران؛
پ- ساختار سازمانی- برای مثال، نمودار سازمانی کلی، خطوط کسب و کار، شرکتهای تابعه و همکار، کمیته‌های مدیریت؛

ت- اطلاعات درخصوص ساختار تشویقی موسسات، برای مثال خط‌مشی پاداش، پاداش مسئولین اجرایی، پاداشها، اختیار تملک سهام؛

ث- برنامه یا خط‌مشی موسسه درخصوص هدایت کسب و کار و/یا اخلاقیات (مشمول بر هر نوع تنازل از مقررات، در صورتی که قابل اجرا باشد)، و نیز هر نوع ساختار حاکمیتی قابل اجرا یا خط‌مشی‌ها (به طور خاص، محتوای هر نوع برنامه یا خط‌مشی حاکمیت شرکتی و فرایند اجرایی آن، همچنین خود ارزیابی عملکرد مرتبط با این موارد توسط هیات مدیره.

ج- هنگامی که موسسه خدمات مالی اسلامی دولتی باشد، لازم است که خط‌مشی مالکیت که اهداف کلی مالکیت دولت، نقش دولت در حاکمیت شرکتی موسسه و چگونگی اجرای خط‌مشی‌های مالکیت مشخص شود.

چ- خط‌مشی‌های موسسه در ارتباط با تعارض منافع و نیز ماهیت و محتوای تراکنشها با طرفهای مرتبط و همکار (که ممکن است به شکل تراکمی برای تسهیلات معمول کارکنان باشد)، مشمول بر هر نوع موضوع مرتبط با اعضای هیات مدیره یا مدیریت ارشد که دارای منافع عمده مستقیم، غیرمستقیم و یا به نیابت از طرف سوم باشد.

۶۶- اصول راهنما به منظور سهولت موسسات خدمات مالی اسلامی در وضع و به کارگیری شیوه‌های حاکمیت شرکتی موثر طراحی شده است. از آنجائیکه در این سند، صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک و موسسات بیمه اسلامی (تکافل) از تعریف موسسات خدمات مالی اسلامی خارج شده‌اند، از این رو اصول راهنما قابل اجرا در بانک‌های تجاری، بانک‌های سرمایه‌گذاری، نهادهای تامین مالی و سایر موسسات تجهیز وجوه می باشد که صرفاً خدمات و محصولات مالی منطبق با اصول و مقررات شرعی تعیین شده از سوی مقام نظارتی را ارائه می‌دهند.

۶۷- اصول راهنمای هفتگانه حاکمیت شرکتی، تأییراتی بر جنبه‌های مختلفی از حاکمیت شرکتی در زمینه شیوه‌های کسب و کار موسسه دارد. این اصول مثال‌هایی را از شیوه‌های جاری ارائه می‌دهد و به این موضوع نیز اذعان دارد که این شیوه‌ها تغییر پذیر بوده و چه بسا به تبع تغییرات بازار و هنگامی که فناوری، مهندسی مالی و بهبود انسجام بین مقام‌های نظارتی راهبردهای دیگری را فراهم می‌آورد، تغییر یابد. به هر حال، این سند جزئیات هر نوع رویه کنترلی را تشریح نمی‌نماید لیکن هیات خدمات مالی اسلامی این موضوعات را به مرور زمان مورد بازنگری قرار می‌دهد.

۶۸- اصول راهنما بر آن است تا اصول حاکمیت شرکتی موجود که توسط نهادهایی چون سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی، کمیته نظارت بانکی بازل و سایر نهادهای وضع کننده استاندارد ارائه می‌شود را کامل نماید. اصول بین‌المللی موجود و قابل اجرا در حوزه حاکمیت شرکتی در تعارض یا عدم توافق کلی با اصول و مقررات شرعی نمی‌باشند. از این رو، هیات خدمات مالی اسلامی مناسب دید که این اصول را ضمن حفظ، جهت تطبیق توسعه دهد. به هر روی، اصول راهنما در وهله نخست تلاش دارد به خصوصیات از موسسات خدمات مالی اسلامی بپردازد که سایر استانداردهای بین‌المللی آنها را پوشش نمی‌دهند.

۶۹- هیات خدمات مالی اسلامی اذعان دارد که شیوه‌های خاص حاکمیت شرکتی هر یک از موسسات با توجه به قلمرو و محتوای فعالیت‌های شان متفاوت است. در برخی کشورها، موسسات به دنبال شیوه‌های پیشرفته حاکمیت شرکتی می‌باشند، از همین روست که هیات خدمات مالی اسلامی با سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی اتفاق نظر دارد که هیچ مدل

واحدی برای حاکمیت مطلوب وجود ندارد و به همین دلیل نیز اصول راهنما به کلیه جزئیات این موضوع به تفصیل پرداخته است. ضمن آن که تمامی مقامهای نظارتی ترغیب به بازنگری توصیه‌های موجود خود (در صورت وجود) در راستای اصول ارائه شده می‌شوند.

۷۰- بدون شک مقررات احتیاطی مختلف که جنبه‌هایی از کفایت سرمایه، مدیریت ریسک، حمایت سرمایه‌گذار، شفافیت، انضباط بازار، شیوه‌های حسابداری و غیره را پوشش می‌دهد، همگی در برگیرنده ابعاد از حاکمیت شرکتی با توجه به ساختار و شیوه‌های کسب و کار موسسات می‌باشند. در این خصوص از موسسات انتظار می‌رود که نگاهی جامع مبتنی بر التزام به این مقررات را داشته باشند.

بخش اول: رویکرد کلی حاکمیت موسسات خدمات مالی اسلامی

اصل ۱-۱: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی ساختاری را برای خطمشی حاکمیت جامع وضع نمایند که نقش و وظیفه راهبردی هریک از عناصر سازمان را مشخص نموده و مکانیزم‌هایی را برای توازن در پاسخ‌گویی موسسات به ذی‌نفعان فراهم سازد.

مبانی

۷۱- در حالی که نظریه حاکمیت شرکتی به عنوان یک خلاقیت مدرن به حساب می‌آید، هنجارها و ارزش‌های ملحق شده به این نظریه نیز هم اکنون دارای وجه تشابه با اسلام است. از آنجایی که اسلام روشی جامع را برای زندگی تجویز می‌نماید، از این رو دائماً نیز به اخلاق پسندیده، اخلاقیات پایدار، امانت و درستی در بالاترین حد ترغیب می‌نماید. اهتمام طرفداران حاکمیت شرکتی در خصوص جدایی مالکیت و مدیریت موسسه منجر به شکلی از نمایندگی می‌شود که از زمانهای دور قرآن بدان پرداخته است، چنان که اخلاقیات را نه تنها در عقود و قراردادهای بلکه در مقابل خداوند نیز با اهمیت می‌داند. قواعد این اخلاقیات در قرآن بدین شکل اشاره شده است:

الف- امانت در اجرای تمامی عقود:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ" (مائده، ۱).

ب- ممنوعیت خیانت در امانت:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (انفال، ۲۷).

پ- ممنوعیت کسب درآمد از طریق غش، دستکاری قیمت، تقلب یا خیانت در امانت:

"يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ" (نساء، ۲۹).

ت- ممنوعیت رشوه جهت کسب سود ناروا:

"وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ" (بقره، ۱۸۸).

ث- توجه به کاهش مشکلات ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی بین طرفهای معامله:

"وَلَا تَسْأَلُوا أَنْ تَكْتُوبَهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا... " (بقره، ۲۸۲).

۷۲- بنابراین واضح است که موسسه خدمات مالی اسلامی به عنوان یک شرکت که توسط اصول اسلامی اداره می‌شود، ملزم به انجام تعهداتش در قبال تمامی ذی نفعان در چارچوب شریعت می‌باشد.

۷۳- امروزه موسساتی که اهتمام خاص به توسعه صنعت خدمات مالی اسلامی ندارند، مبادرت به انجام نوآوری‌هایی در توسعه و انتشار شیوه‌ها و ساختارهای حاکمیت شرکتی نموده‌اند. به هر حال اگر بتوانیم به تعریفی جامع برای "حاکمیت شرکتی" به عنوان "مجموعه‌ای از ترتیبات سازمانی که همسان کننده فعالیت‌های مدیریت در حد امکان با منافع ذی نفعان است" دست پیدا کنیم^{۱۷}، در آن صورت خواهیم دید که شباهت‌ها میان رویکرد متداول و اسلامی بیشتر از تفاوت‌ها در خصوص حاکمیت مطلوب است؛ به ویژه با تاکید بر مولفه‌هایی نظیر: عدالت، شفافیت و پاسخگویی. از این رو تفاوت صرفاً می‌تواند در این باشد که رویکرد اسلامی مشتمل بر ارزش‌های مذهبی و الزامات شرعی است.^{۱۸}

۷۴- از همین رو به منظور اجتناب از "اختراع مجدد چرخ" در ایجاد مجموعه‌ای از بهترین شیوه‌ها در حاکمیت شرکتی برای موسسات خدمات مالی اسلامی، اصول سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی و کمیته نظارت بانکی بازل می‌توانند به عنوان مرجع، رهنمودهای کاربردی را در این خصوص فراهم آورند. این اسناد به عنوان منابع اصلی در بسیاری نظامهای حقوقی به عنوان دستورالعملهای حاکمیت شرکتی به کار گرفته شده است.

۷۵- هیات خدمات مالی اسلامی فلسفه حاکمیتی وضع شده از سوی سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی و کمیته نظارت بانکی بازل را که به سادگی می‌توانند با احتیاجات و الزامات محیطی مختلف تطبیق نمایند را مورد تأیید قرار می‌دهد. در رابطه با حمایت از سرمایه‌گذاران، اصول سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی بر نقطه نظرات قوی دلالت دارد که عبارتند از:

الف- مدل واحدی از حاکمیت شرکتی وجود ندارد. به هر حال، در خلال وضع اصول سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی، برخی عناصر مشترک که مقدمه حاکمیت شرکتی مطلوب می‌باشند به عنوان اصول شناسایی شده‌اند تا مدل‌های مختلف موجود را پوشش دهد.^{۱۹}

^{۱۷} آرش. س. ۱۴ آوریل (۲۰۰۴) "حاکمیت شرکتی بانکهای اسلامی"، سخنرانی عمومی انجام شده در دانشگاه بین‌المللی اسلامی مالزی.
^{۱۸} به منظور اطلاع از مباحث مطروحه در خصوص مناقشات در تعریف حاکمیت شرکتی، ملاحظه نمایید: عمر شایرا و حسین احمد (۲۰۰۲) "حاکمیت شرکتی در موسسات مالی اسلامی"، مقاله شماره ۶، موسسه تحقیق و آموزش بانک توسعه اسلامی، جده.
^{۱۹} به طور مثال، اصول سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی، از ساختار خاص هیات مدیره حمایت نکرده و اصطلاح به کار گرفته شده در این خصوص نیز به منظور پوشش مدل‌های مختلف ملی از ساختارهای هیات مدیره در کشورهای عضو سازمان و غیر آن می‌باشد. در سیستم عادی دوگانه که در برخی کشورها وجود دارد، منظور از "هیات"، "هیات نظارتی" است و منظور از "مدیران کلیدی"، "هیات مدیره" است. در سیستم‌هایی که هیات مدیره واحدی تحت نظارت حسابرسی داخلی می‌باشند، اصول قابل استفاده در هیات مدیره با اجرای تعدیلات لازم، قابل استفاده در حسابرسی داخلی نیز می‌باشد. واژه‌های "موسسه" و "شرکت" در این متن به جای یکدیگر به کار رفته‌اند.

ب- اصول سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی غیرالزام آور است و هدفش تشریح جزئیات برای هر نظام حقوقی محلی نیست. بلکه به دنبال شناسایی اهداف و پیشنهاد ابزارهای مختلف برای دستیابی به آنها و ارائه خدمت به عنوان مرجع می باشد. این اصول می تواند توسط سیاستگذاران به هنگام بررسی و وضع چارچوبهای مقرراتی حاکمیت شرکتی که منعکس کننده مقتضیات اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی می باشد و همچنین توسط مشارکت کنندگان بازار به هنگام توسعه شیوه های خود به کار گرفته شود.

پ- اصول سازمان توسعه و همکاری های اقتصادی ذاتاً تکامل پذیر بوده و می بایست در سایه تغییر مقتضیات مورد بازنگری قرار گیرند. به منظور رقابتی ماندن در عصر تغییرات، شرکتها می بایست نوآور بوده و فعالیتهای حاکمیت شرکتی خود را با نیازهای جدید و جذب فرصتهای تازه منطبق سازند. به طور مشابه، حکومتها نیز مسئولیت مهمی برای شکل دادن به ساختار مقرراتی موثری دارند که از انعطاف پذیری کافی جهت کارایی بازار و پاسخگویی به انتظارات سهامداران و سایر ذی نفعان برخوردار است. البته این امر به حکومتها و بازیگران بازار بستگی دارد که چگونه اصول سازمان فوق را جهت توسعه ساختار حاکمیت شرکتی و با توجه به هزینه و فایده مقررات به کار می گیرند.

۷۶- در شرایطی که مقاله کمیته نظارت بانکی بازل همانند سازمان توسعه و همکاریهای اقتصادی بیان می دارد که مدل واحدی متناسب با ساختارهای مختلف حاکمیت موسسات بانکی وجود ندارد، در همین حال چهار شکل مهم نظارتی که می بایست در هر نوع ساختار بانکی به منظور اطمینان از وجود ابزار نظارتی مناسب موجود باشد را به شرح زیر برجسته می نماید:

الف- نظارت توسط هیات مدیره یا هیات نظارت.

ب- نظارت توسط اشخاصی که در عملیات روزمره کسب و کار مشارکت ندارند.

پ- نظارت مستقیم بر حوزه های مختلف کسب و کار.

ت- نظارت مستقل مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی.

۷۷- علاوه بر موارد فوق، کمیته نظارت بانکی بازل تاکید زیادی دارد بر اهمیت وجود کارکنان کلیدی مناسب و متناسب با وظایفی که بدان اشتغال دارند. این موضوع اشاره دارد که مالکیت دولتی یک بانک ممکن است منجر به تغییر در راهبردها و اهداف بانک و نیز ساختار داخلی حاکمیت گردد. نتیجتاً، اصول عمومی حاکمیت شرکتی به طور خاص برای بانکهای دولتی سودمند می باشد.

۷۸- توصیه به موسسات خدمات مالی ناظر بر تشکیل کمیته حاکمیت است که وظایف آن کاملاً متفاوت از کمیته حسابرسی است زیرا موسسات با حساب سرمایه‌گذاری کار می‌کنند که در قالب عقد قرض نمی‌باشد (همین طور در خصوص سپرده ثابت متعارف) و از همین روست که طرح مسایل حاکمیت تاکنون مغفول مانده است. نتیجتاً، مضارب در حساب سرمایه‌گذاری مشتمل بر مدیریت و سهام داری موسسات می‌باشد نه صرفاً مدیریت. از اینرو، موسسات خدمات مالی اسلامی به عنوان یک کل (که مشتمل بر مدیریت و سهامداران است) متحمل مسئولیت امانت‌داری در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری است. اهمیت حسابهای سرمایه‌گذاری به عنوان منبع وجوه برای موسسات و وظیفه منحصر به فرد امانت‌داری بر مبنای اصل مضاربه، موجب ایجاد مجموعه‌ای خاص برای حاکمیت همچون کمیته حاکمیت می‌گردد.

اهداف

۷۹- فرض هیات خدمات مالی اسلامی آن است که موسسات خدمات مالی اسلامی از بهترین شناخت نسبت به مدل کسب و کار و شئون حاکمیت شرکتی خویش برخوردارند. البته موسسات می‌بایست راه‌های بهبود جنبه‌های مختلف حاکمیت که می‌تواند دست‌یابی به اهداف راهبردی را تسهیل نماید را نیز مشخص کنند. به منظور رقابتی ماندن، لازم است موسسات اطمینان حاصل نمایند که خطی‌مشی‌ها و شیوه‌های حاکمیت شرکتی مورد استفاده در قبال بهترین شیوه‌ها و استانداردهای بین‌المللی محک خورده است.

۸۰- با داشتن چارچوب خط‌مشی جامع برای حاکمیت شرکتی، موسسات خدمات مالی اسلامی قادر به شناسایی موثر وظایف و نقش‌های هریک از واحدهای حاکمیت و مکانیزم‌هایی برای توازن در پاسخ‌گویی به ذی‌نفعان مختلف خواهند بود. همان‌طور که چارچوب خط‌مشی حاکمیت شرکتی می‌بایست اثربخش باشد، می‌بایست عناصر مختلف قانون، مقررات، ترتیبات خودانتظامی، الزامات داوطلبانه و شیوه‌های کسب و کار که در خلال محیط کسب و کار هر کشوری رایج بوده و منعکس‌کننده نیازها و فرهنگ می‌باشد نیز می‌بایست ملحوظ نظر قرار گیرد.

۸۱- فرایند توسعه چنین چارچوبی می‌تواند یک فرایند آموزشی قابل استفاده نه تنها در ارتقای ساختار حاکمیت بلکه در افزایش تخصص فنی و دانش عمیق موسسات در رابطه با عملیات کسب و کارشان به شمار رود.

۸۲- با داشتن چارچوب خطمشی جامع برای حاکمیت شرکتی، موسسات به ایجاد فرهنگ شفافیت و پاسخ‌گویی بین واحدهای خویش کمک خواهند نمود. حتی موسسات خدمات مالی اسلامی که دارای رتبه‌بندی اعتباری در بازارهای مالی نمی‌باشند نیز باید بیاموزند که چگونه خود را در معرض بررسی‌های دقیق عمومی قرار دهند و این را به عنوان وظیفه و مسئولیت خویش جهت تضمین استقرار نظام مالی بدانند.

۸۳- همچنین محک زدن چارچوب خطمشی در برابر بهترین شیوه‌های بین‌المللی به موسسات خدمات مالی اسلامی و سایر موسسات پشتیبان نظیر شرکتهای رتبه‌بندی، این امکان را می‌دهد تا میزان تطبیق خود را با مقررات محلی یا بین‌المللی حاکمیت شرکتی در یک اسلوب مقایسه‌ای درجه بندی یا رتبه بندی نمایند.

۸۴- با در نظر داشتن اهمیت این موضوع که تطبیق با اصول حاکمیت مطلوب منجر به سلامت موسسات می‌گردد، آنها می‌بایست تلاشی مستمر جهت ارتقای حاکمیت شرکتی خویش داشته و نباید نسبت به پیشی گرفتن از انتظارات عمومی تردید داشته باشند تا بتوانند به رقابتی موثر و شهرتی نیرومند دست یابند. در چارچوب ثبات سیستماتیک سیستم مالی، حاکمیت مطلوب موسسات نقش مهمی در حفظ اعتماد عمومی ایفا می‌نماید، همان طور که برای سایر موسسات مالی، هر نوع تصرف یا عدم تصرف که حاکمیت ضعیفی را نشان دهد، موجب تسریع در برداشت حساب سرمایه‌گذاری گردیده و در ادامه ثبات کل سیستم را نیز تحت تاثیر خود قرار خواهد داد.

اصل ۱-۲: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی اطمینان حاصل نمایند که گزارش‌گری اطلاعات مالی و غیرمالی براساس الزامات استانداردهای حسابداری شناخته شده بین‌المللی منطبق با اصول و مقررات شریعت که توسط مقام نظارتی هر کشور قابل اجرا در صنعت خدمات مالی اسلامی شناسایی شده است، صورت می‌گیرد.

مبانی

۸۵- از میان مهمترین آموزه‌هایی که می‌بایست از رسوایی‌های مختلف حاکمیت شرکتی در سراسر جهان آموخت، همان شفافیت و پاسخ‌گویی می‌باشد که لازم است در فرهنگ هر شرکت نهادینه شود. در این رابطه، هیات خدمات مالی اسلامی اذعان دارد که نهادهای وضع‌کننده استانداردهای حسابداری بین‌المللی و نیز نهادهای تخصصی خودانتظام، در جهت ارتقای

بهترین شیوه‌های حسابداری در خصوص چالش‌های حاکمیت شرکتی و به ویژه در راستای تقویت شفافیت و پاسخگویی تلاش و افری نموده‌اند.

۸۶- با شروع جهانی سازی، بسیاری کشورها بر این موضوع تاکید داشته‌اند که استانداردهای گزارش‌گری مالی و غیرمالی خود را در راستای استانداردهای شناخته شده بین‌المللی حسابداری قرار دهند^{۲۰}. همزمان با رشد مستمر صنعت خدمات مالی اسلامی در چارچوب نظام مالی جهانی، گزارش‌های مالی و غیرمالی موسسات خدمات مالی اسلامی نیز باید خود را با استانداردهای گزارش‌گری شناخته شده جهانی وفق دهند.

۸۷- از طریق شیوه‌های گزارش‌گری مالی و غیرمالی با کیفیت بالا و شفاف است که موسسات خدمات مالی اسلامی اعتبار بیشتری کسب می‌نمایند. اهمیت چنین اعتباری برای موسسات در صورتی قابل توجه است که صنعت خدمات مالی اسلامی به دنبال پرهیز از حاشیه سازی بوده و به خوبی با چارچوب مالی جهانی یکپارچه سازی شده باشد.

۸۸- پذیرش استاندارد بین‌المللی گزارش‌گری مالی یا سایر استانداردهای حسابداری و حسابرسی بین‌المللی ارتباط زیادی با به رسمیت شناختن از سوی مقام نظارتی و نیز نهادهای تخصصی مرتبط در حوزه حقوقی دارد. از اینرو، هیات خدمات مالی اسلامی چنین نهادهایی را ترغیب به داشتن نقشی پیشرو می‌نماید تا مطمئن گردد که شیوه‌های حسابداری و حسابرسی محلی از استانداردهای بین‌المللی تنزل نکند. در صورت ضرورت می‌بایست برنامه‌های آموزشی قوی به منظور تجهیز موسسات با ظرفیت و دانش فنی موردنیاز جهت تطبیق با استانداردهای بین‌المللی به اجرا گذارده شود.

۸۹- موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست از تمامی نوآوری‌ها پشتیبانی نموده و پاسخگویی تمام درخواستها برای ارتقای شیوه‌های حسابداری و حسابرسی باشد. به همین جهت هیات خدمات مالی اسلامی به شدت توصیه بر تشکیل یک کمیته حسابرسی توسط موسسات به عنوان بهترین شیوه می‌نماید. در پیمایش انجام شده توسط هیات اشاره شده است که بیشتر موسسات خدمات مالی اسلامی اقدام به تشکیل چنین کمیته ای کرده‌اند. در همین رابطه موسسات باید اطمینان حاصل کنند که عملکرد کمیته حسابرسی به طور کارا و اثربخش پاسخگوی کلیه ملاحظات حسابرسی و گزارش‌گری مالی ایشان است. برای مثال قواعد مکتوب و کافی که قابل تسری به وظایف کلی حسابرسی است یعنی کمیته حسابرسی و

²⁰ به طور مثال، استانداردهای فراگیر بین‌المللی گزارش‌گری مالی از جمله در اتحادیه اروپا، توجه ویژه‌ای به هماهنگ‌سازی استانداردهای حسابداری و حسابرسی محلی با استانداردهای بین‌المللی دارد.

حسابرسی داخلی و خارجی، لازم است وضع و پیگیری شود. کمیته حسابرسی می‌بایست همکاری نزدیکی با حسابرسان داخلی و خارجی به منظور انجام نظارت‌های روزمره جهت شناسایی موقعیتهای در معرض ریسک موسسه و رویه‌های حسابداری ترتیب دهد.

بخش دوم: حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری

اصل ۱-۲: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی حقوق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری را جهت پایش عملکرد سرمایه‌گذاری‌های انجام شده و ریسک‌های مرتبط به رسمیت شناخته و ابزارهای مناسبی را به منظور حصول اطمینان از حفظ و اجرای این حقوق وضع نمایند.

مبانی

۹۰- در پیمایشی که توسط هیات خدمات مالی اسلامی صورت گرفت مشخص شد، تعداد موسسات خدمات مالی اسلامی که تنها با حساب سرمایه‌گذاری مطلق کار می‌کنند بیشتر از موسساتی است که فقط حساب سرمایه‌گذاری مقید یا هر دو نوع را ارائه می‌دهند. همچنین مشخص گردید که هیچ یک از موسسات ارائه دهنده حسابهای سرمایه‌گذاری به صاحبان این دسته از حسابها اجازه مقید نمودن مدیریت سرمایه‌گذاری با توجه به اشتهای ریسک صاحبانش را نمی‌دهند، به عبارتی آنها صندوق سرمایه‌گذاری بسته ای را ارائه می‌دهند نه صندوقی که برحسب درخواست صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و ترجیح ایشان بوده باشد. گرچه این موضوع نیز قابل درک است که حسابهای سرمایه‌گذاری ارائه شده بدون در نظر گرفتن اشتهای ریسک صاحبان حساب سرمایه‌گذاری، درحقیقت موجب نگرانی در خصوص انصاف و شفافیت در اداره حسابهای سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۹۱- با دادن این حق به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مبنی بر پایش عملکرد سرمایه‌گذاری و ریسک‌های مرتبط، درحقیقت موسسه خدمات مالی اسلامی به منافع و مالکیت صاحبان وجوه (به عنوان رب المال) در حساب سرمایه‌گذاری اذعان نموده است. منظور از "مالکیت" در اینجا همان اساس فرایند حاکمیت شرکتی است. جداسازی مالکیت از کنترل، موقعیتی را موجب می‌گردد که منافع مالکان با مدیران فعلی (در موسسات خدمات مالی اسلامی به عنوان مضارب) ممکن است (یا غالباً) تعارض پیدا کند و از اینرو لازم است ساختاری باشد تا حدی از بررسیها به منظور محدود نمودن کنترل مدیریت بر وجوه اعمال گردد (مثل کمیته حاکمیت که پیشتر اشاره گردید). بدون وجود مکانیزم تعادلی و بررسی کافی و مناسب، مدیر کنترل مطلق وجوه را در اختیار خواهد داشت و عدم تقارن اطلاعاتی می‌تواند خطر سوءاستفاده از جانب مدیر را به همراه داشته باشد. در چنین شرایطی، هیچ یک از حقوق مالکیت وجوه از سوی سرمایه‌گذاران اعمال نخواهد شد.

۹۲- به دنبال این موضوع، محروم نمودن صاحبان حساب سرمایه‌گذاری از حقوق ایشان در پایش عملکرد، ممکن است احتمال سوءاستفاده توسط موسسات را در مدیریت این حسابها فراهم سازد. از منظر حفظ ثبات سیستم مالی، این موقعیت مطلوب نمی‌باشد زیرا نهایتاً موجب ریسک سیستماتیک شده و در پی آن نیز اعتماد صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به موسسات کاهش پیدا می‌کند.

اهداف

۹۳- به رسمیت شناختن حق صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در پایش عملکرد سرمایه‌گذاری و وضع ابزاری مناسب برای ایشان جهت نظارت و اجرای این حقوق صرفاً اختصاص به التزام با اصل مضاربه ندارد، بلکه موجب تقویت ارزشهای اخلاقی شفافیت و مسئولیتی می‌گردد که شریعت بدان اشاره نموده است. چنان که این امر می‌تواند اعتبار موسسات خدمات مالی اسلامی را تقویت نموده و ابزار بازاریابی خوبی را برای تجهیز وجوه بیشتر فراهم نماید.

اصل ۲-۲: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی راهبرد سرمایه‌گذاری دقیقی متناسب با انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اتخاذ نمایند (با در نظر گرفتن تمایز بین صاحبان حساب سرمایه‌گذاری مطلق و مقید)، همچنین در تعدیل هر نوع بازده نیز شفاف باشند.

مبانی

۹۴- اتخاذ راهبرد سرمایه‌گذاری دقیق، ابزار مبنایی مدیریت ریسک به شمار می‌رود که نه تنها هر نوع احتمال ریسک سرمایه‌گذاری بر موسسات خدمات مالی اسلامی را کاهش می‌دهد بلکه فرصتهایی را برای موسسات فراهم می‌سازد که منابع بزرگ‌تر وجوه را از عموم تهیه نمایند که به راهبردهای اتخاذ شده توسط موسسات اطمینان دارند.

۹۵- ادبیات موجود، سود و زیان‌های ناشی از شیوه "تعدیل بازده" توسط موسسات خدمات مالی اسلامی در خصوص حسابهای سرمایه‌گذاری از طریق ذخیره تعدیل سود را برجسته نموده است. اصلی‌ترین بحث در خصوص چنین شیوه‌ای همان کمک نمودن به موسسات به منظور رقابتی ماندن در مقابل نرخهای بازده مرتبط با ثباتی است که توسط بانکهای متداول عرضه می‌گردد. این می‌تواند نظر معتبری باشد، به ویژه اگر موسسات خود را نهادی بدانند که عرضه کننده محصول منطبق با شریعت (و جایگزینی برای سپرده‌های متداول) باشد. به هر حال، ممکن است در اعتبار این بحث در صورتی تشکیک شود که موسسات حسابهای سرمایه‌گذاری منطبق با شریعت را صرفاً به عنوان جایگزینی برای سپرده‌های متداول به شمار

نیاورده بلکه آن را به عنوان محصول متفاوت سرمایه‌گذاری تلقی نمایند. به این حقیقت باید اذعان نمود که صاحب حساب سرمایه‌گذاری می‌بایست متحمل ریسک از دست دادن اصل سرمایه وفق احکام و اصول شریعت به نسبت مضاربه باشد (حتی اگر ریسک به دلیل مدیریت صحیح سرمایه‌گذاری و راهبرد مناسب تخصیص دارایی کمینه باشد).

۹۶- به منظور تعدیل بازده حساب سرمایه‌گذاری، ذخایر اضافی جهت کاهش زیانهای غیرمنتظره در نظر گرفته شده است. در برخی کشورها، موسسات خدمات مالی اسلامی جهت دستیابی به این هدف ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری را ایجاد نموده‌اند.^{۲۱}

۹۷- به هرروی، برخی ضرورت چنین شیوه‌هایی را هنگامی که بتوان نگرانی‌ها را از طریق تخصیص مناسب دارایی پاسخ داد، مورد پرسش قرار می‌دهند.^{۲۲} مضافاً اینکه چنانکه در پاراگراف ۳۹ نیز اشاره گردید، در جایی که سهامداران اصلی کنترل‌هایی را بر خط‌مشی تقسیم سود موسسات و استفاده از ذخایر دارا می‌باشند (که می‌بایست در مجامع عمومی سالیانه مورد تأیید قرار گیرد)، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری هیچ نوع کنترلی بر استفاده از ذخایری نظیر ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری نخواهند داشت.

۹۸- براساس پیمایش صورت گرفته توسط هیات خدمات مالی اسلامی مشخص گردید، درصد کمی از موسسات هستند که اقدام به تعدیل بازده برای حسابهای سرمایه‌گذاری نموده‌اند. به هر حال، هیات خدمات مالی اسلامی نگران این موضوع می‌باشد که بعضی از موسسات ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری را به کار می‌گیرند و به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری درخصوص این که بخشی از سهم سودشان از حساب سرمایه‌گذاری به عنوان ذخیره گرفته می‌شود، اطلاع رسانی نمی‌نمایند. درحقیقت نتایج پیمایش نشان می‌دهد که هیچ یک از موسسات به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری خود اختیار "عدم تعدیل" بازده از طریق ذخیره تعدیل سود را نمی‌دهند.

۹۹- برخی از موسسات که ذخیره تعدیل سود را برای تعدیل بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به کار می‌گیرند، اذعان می‌نمایند که ذخایر هر سال در خلال پنج سال پیش از آن جهت تعدیل بازده استفاده شده است. در حالی که ممکن است این مساله اشاره به اهمیت ذخیره تعدیل سود در اعطای بازده به صاحبان حساب در مقایسه با سود پرداختی توسط سایر موسسات

²¹ برای مثال، به ماده (۵۵) قانون بانکداری اردن مراجعه شود (قانون شماره ۲۸/۲۰۰۰).

²² آرشر، منبع پیشین.

داشته باشد، همزمان تکیه بر چنین ذخایری منجر به سوء برداشت از سوی صاحبان حساب سرمایه‌گذاری در خصوص عملکرد واقعی سرمایه‌گذاری می‌گردد.

۱۰۰- همچنین هیات خدمات مالی اسلامی در پیمایش خود به این نتیجه رسیده است که هیچ‌یک از نهادها و موسسات خدمات مالی اسلامی به دنبال استانداردهای بین‌المللی مالی گزارش‌گری در رابطه با افشای حسابهای سرمایه‌گذاری می‌باشند. به هر حال، اقدام مقام نظارتی در خصوص مطالعه شیوه‌های تعدیل بازده در خلال نظام حقوقی مربوطه می‌تواند جهت ارائه رهنمودها و مقررات کافی سودمند واقع شود.

اهداف

۱۰۱- با تمرکز بر راهبرد مناسب تخصیص موثر دارایی با توجه به اشتهای ریسک، موسسات خدمات مالی اسلامی می‌توانند حاکمیت خوبی را متناسب با منافع صاحبان حساب سرمایه‌گذاری انجام دهد. لازم است که موسسات انتظارات ریسک و بازده صاحبان حساب سرمایه‌گذاری حتی برای حسابهای سرمایه‌گذاری مطلق را مدنظر قرار دهند و در صورت اهمال، خود را مسئول جبران زیان در قبال صاحبان حساب سرمایه‌گذاری بدانند.

۱۰۲- مضافاً اینکه ذخایر به شکل ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری ممکن است مشکلات داخلی در دوره‌های زمانی مختلف برای صاحبان حساب سرمایه‌گذاری ایجاد کند که خود این موضوع منجر به طرح سوالات در خصوص شفافیت و پاسخگویی موسسات می‌گردد. مقوله "مالکیت" وجوه صاحبان حساب سرمایه‌گذاری با عملیات ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری غیرواضح می‌شود، به طوری که این دو ذخیره به طور خاص برای منافع موسسات از حیث رقابت‌پذیری و کاهش ریسکهای سیستماتیک به کار می‌رود، منافع صاحبان حساب سرمایه‌گذاری همچنان مورد سوال است. واضح است که مکانیزمهای ذخیره تعدیل سود و ذخیره ریسک سرمایه‌گذاری در مقایسه با کسانی که مالکیت اصلی ذخایر را دارا می‌باشند (صاحبان حساب سرمایه‌گذاری به عنوان رب المال) موجب تقویت کسانی می‌شود که کنترل آن را در اختیار دارند (مدیر یا مضارب) که البته از منظر حاکمیت شرکتی این موضوع خود مجالی برای سوء استفاده احتمالی است.

۱۰۳- افشای کافی و مناسب در خصوص تخصیص دارایی و راهبردهای سرمایه‌گذاری موسسات خدمات مالی اسلامی در حسابهای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از ذخیره تعدیل سود و ذخیره

ریسک سرمایه‌گذاری این امکان را به نهادهای حاکمیتی همچون حاکمیت، کمیته حسابرسی و هیات نظارت شرعی می‌دهد تا بتوانند عملکرد موسسات را به عنوان مدیران این حسابها مورد کنترل و پایش قرار دهند. به طور مشابه، چنین افشایی سایر واسطه‌های اطلاعاتی را که برای مشتریان کار می‌کنند، نظیر تحلیل‌گران مالی، قادر می‌سازد تا نقش موثری را در ارتقای انضباط بازار ایفا نمایند.

بخش سوم: التزام به احکام و اصول شریعت

اصل ۱-۳: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی مکانیزم مناسبی را برای دستیابی به مقررات از طریق کارشناسان دینی، به کارگیری فتاوی و پایش التزام به شریعت در تمامی جنبه‌ها از جمله محصولات، عملیات و فعالیت‌ها وضع نمایند.

۱۰۴- تشکیل هیاتی از کارشناسان دینی به عنوان مشاوران برای موسسات خدمات مالی اسلامی که غالباً به عنوان هیات نظارت شرعی شناخته می‌شود، گامی متداول توسط موسسات به منظور وضع مشاوره شرعی مناسب و پایش عملکرد در جهت فعالیت کسب و کارشان به شمار می‌رود. براساس پیمایش صورت گرفته توسط هیات خدمات مالی اسلامی، بیشتر موسسات دارای هیات نظارت شرعی در قالب هیاتی متشکل از چندین عضو یا یک مشاور می‌باشند.

۱۰۵- از آنجایی که مبنای فعالیت هر موسسه خدمات مالی اسلامی همانا ارائه خدمات مالی منطبق با الزامات شرعی می‌باشد، این موضوع قابل قبول نمی‌باشد که موسسه‌ای فاقد نظارت شرعی باشد. موسسه‌ای که هیچ نوع دسترسی به کارشناسان دینی نداشته باشد، قادر به متمایز ساختن خود به عنوان موسسه‌ای ارائه دهنده خدمات مالی اسلامی نبوده و همچنین نمی‌تواند سرمایه‌گذاران و کارآفرینانی را جذب نماید که به دنبال سرمایه‌گذاری براساس جنبه‌های شرعی می‌باشند. از اینرو، موضوع مطروحه از درجه نخست برای موسسات برخوردار می‌باشد زیرا تنها زمانی مشتریان متقاعد می‌گردند که موسسه محصولات مالی منطبق با شریعت ارائه داده و وارد معاملات منطبق با اصول و مقررات شریعت شده که مکانیزم‌های مناسب برای پایش شرعی وضع شده باشد.

۱۰۶- یکی از جنبه‌های خاص التزام به شریعت که در بسیاری از موسسات نیز وجود ندارد عبارتست از اجرای نظارت بیرونی التزام به شریعت پس از عمل. در این پیمایش، هیات خدمات مالی اسلامی دریافت که تنها تعداد کمی از موسسات هستند که این نوع نظارت را به اجرا درمی‌آورند و در مقابل در بسیاری دیگر از موسسات این نظارت توسط بانکهای مرکزی انجام می‌شود. کمیته حسابرسی موسسات لازم است تمام توان خود را به منظور اطمینان از توانایی انطباق حسابرسان داخلی با نظارت‌های شرعی پس از عمل (در صورت لزوم با تکیه بر کار انجام شده توسط حسابرسان داخلی/ناظران شرعی) در ضمن شروط تعیین شده برای ایشان به کار گیرد. همچنین در صورت امکان، کمیته حسابرسی و حسابرس داخلی/ناظر

شرعی می‌بایست همکاری نزدیک با حسابرسان داخلی به منظور تقویت توانایی حسابرسان بیرونی در اجرای چنین نظارت تطبیق شرعی به عنوان بخشی از فعالیت حسابرسی داشته باشد.

۱۰۷- همچنین پیمایش هیات خدمات مالی اسلامی نشان می‌دهد که بیشتر موسسات خدمات مالی اسلامی از نظارت‌های تطبیق شرعی داخلی برخوردار می‌باشند. بیشتر موسسات دارای ناظر شرعی/ حسابرس داخلی هستند که این نظارت‌ها را انجام می‌دهد، در حالیکه برخی دارای هیات نظارت شرعی یا واحد التزام به شریعت می‌باشند که این نوع نظارت را انجام می‌دهند. این وظیفه ممکن است توسط کمیته حسابرسی یا کمیته اجرایی یا واحد داخلی نظیر واحد مدیریت ریسک، واحد تطبیق، واحد سرمایه‌گذاری، واحد فتاوی یا تحقیق انجام پذیرد. به منظور اطمینان از اینکه نظارت تطبیق شرعی توسط خبرگان آموزش دیده و واجد شرایط اجرا می‌شود، از حسابرسان داخلی/ناظران شرعی انتظار می‌رود که این وظیفه را با به کارگیری امکانات لازم به انجام رسانند.

اهداف

۱۰۸- توسعه سریع صنعت خدمات مالی اسلامی نیاز به تخصص‌گرایی بین خبرگان به مسائل التزام به شریعت را تشدید نموده است. به عنوان مثال، عملیات تکافل که بر مبنای اصول مشابهی پایه‌گذاری شده است، کاملاً متفاوت از عملیات بانکداری است، همانطور که عملیات بانکداری تجاری اختلاف زیادی از بانکهای پس‌انداز و سرمایه‌گذاری دارد. این انتظار از صنعت خدمات مالی اسلامی در آینده می‌رود که عملیات پایش و نظارت التزام به شریعت، بسیار تخصصی و متناسب با اندازه و پیچیدگی بخشهای خاص صنعت صورت پذیرد.

۱۰۹- در خلال ترویج رویکرد حرفه‌ای در ارائه مقررات شرعی، تطبیق فتاوی و پایش التزام به شریعت، اعتبار و صداقت کارشناسان دینی به عنوان طرفداران و مروجین حاکمیت مطلوب ارتقا می‌یابد.

۱۱۰- با وجود این که امروزه تعداد کمی از کارشناسان دینی خدماتشان را به صورت جهانی ارائه می‌دهند، روش جاری از مقبولیت چندانی به دلیل قصور جدی در برخی نظامهای حقوقی برخوردار نمی‌باشد که دلایل آن عبارتند از:

الف- معیار شناسایی کارشناس دینی واجد صلاحیت همچنان غیرواضح است؛ و

ب- ابزار کنترل قانونی بودن، اعتبار و صحت حکم شرعی هنوز نامشخص است.

با در نظر گرفتن طبیعت احکام شرعی و تاثیرات قانونی بر صحت عقود با موسسات خدمات مالی اسلامی، آزمون نهایی جهت قانونی بودن این احکام همان پذیرش آن نزد محاکم قضایی معتبر است. هیات خدمات مالی اسلامی اشاره می‌دارد که سندیت فتاوی با توجه به طبیعت نظام حقوقی موسسات یا قوانینی می‌باشد که بدان پایبند هستند.^{۲۳} لکن در حالتی که فتاوی از سندیت قانونی برخوردار نمی‌باشد، موسسات ملزم به تبعیت از آن نمی‌باشند. بر این اساس، موسسات نباید وارد عقدی غیر منطبق با شریعت شوند.

۱۱۱- در برخی کشورها، هیات نظارت شرعی مرکزی با بدنه‌ای نظارتی و مقرراتی وجود دارد که فتاوی الزام آور صادر می‌نماید.^{۲۴} اگرچه شواهد اندکی تا امروز از اتکای به محاکم شرعی در تسویه نزاعات در حوزه مالی اسلامی وجود دارد ولی نمونه‌های بیشتری نیاز می‌باشد تا از روایی و اعتبار سیستم اطمینان حاصل شود.

۱۱۲- نمی‌توان از این دیدگاه صرف نظر نمود که جهت سوق دادن چارچوب التزام به شریعت به بالاترین سطح، ممکن است ترجیح این باشد که سازمان حرفه‌ای یا موسسه وضع استانداردهای حرفه‌ای برای کارشناسان دینی که در بخش صنعت خدمات مالی اسلامی فعالیت می‌کنند، تاسیس گردد. چنین نهاد حرفه‌ای به دنبال منافع اعضا و ارتقای فهم و تبادل اطلاعات از طریق نشریات و انجمنهای منظم خواهد بود. همچنین به دنبال برقراری رابطه میان آکادمی، نهادهای حرفه‌ای و تجاری مرتبط نیز می‌باشد. به نظر می‌رسد، صنعت خدمات مالی اسلامی به درجه‌ای از بلوغ رسیده است که چنین موسسات با ساختاری شفاف و مسئول جهت ارائه خدمات مشاوره شرعی، از درجه اهمیت بالایی برای تمامی فعالین از جمله فعالین صنعت یا مصرف‌کنندگان برخوردار گشته‌اند.

اصل ۲-۳: التزام به احکام و اصول شرعی مورد تاکید توسط کارشناسان دینی بر موسسات خدمات مالی اسلامی لازم است. همچنین موسسات می‌بایست این احکام را به اطلاع عموم برسانند.

مبانی

۱۱۳- صنعت خدمات مالی اسلامی مدرن تحولات زیادی را در مقایسه با صدر اسلام شاهد بوده است و البته همچنان تطبیق‌های ابتکاری و جدید از احکام و اصول شرعی مورد نیاز است. برخی کارشناسان دینی که کار پایش و مشاوره موسسات را انجام می‌دهند، لازم است که با

²³ به عنوان مثال، به ماده ۵۸ (أ) قانون بانکداری (۴۵) اردن مراجعه شود (قانون شماره ۲۸/۲۰۰۰).

²⁴ به عنوان نمونه، موسسات خدمات مالی اسلامی ثبت شده در مالزی براساس قانون ۱۹۸۳ و باتوجه به ماده ۱۳ (أ) قانون، ملزم به تبعیت از مقررات وضع شده از سوی هیات مشاوره شرعی می‌باشند که باتوجه به بخش ۱۶ ب (۱) از قانون بانک مرکزی سال ۱۹۵۸ تأسیس شده‌اند. همچنین در سودان و اندونزی، هیات فتاوی مرکزی برای بخش خدمات مالی اسلامی وجود دارد.

بهترین دانش و به کارگیری بالاترین توان خویش توسعه صنعت را تسهیل نمایند نه آنکه آن را مختل کنند، زیرا قیود و ممنوعیتهای متعدد ممکن است مشتریان را به سوی بدیل‌های دیگری از جمله موسسات مالی متداول سوق دهد. در این خصوص، انتظار از کارشناسان دینی آن است که مکاتب و فروع دیدگاه‌های مختلف را به منظور صدور فتاوی مورد بررسی دقیق قرار دهند. دقیقاً مشابه هر مشاور حرفه‌ای دیگری همچون وکلا و حسابداران، کارشناسان دینی می‌بایست تلاش در جهت تعامل با مسائل مرتبط با التزام به شریعت که موسسات با آن مواجه می‌باشند را بدون اهمال در اخلاق حرفه‌ای مبذول داشته و مسئولیت خویش در قبال خداوند و مردم را نیز در نظر داشته باشند.

۱۱۴- لازم است موسسات خدمات مالی اسلامی احترام زیادی را به نظرات ارائه شده از سوی کارشناسان دینی در مقایسه با تعامل‌شان با وکلا و حسابداران نشان دهند. این به سبب آن است که تکلیف کارشناسان دینی تفسیر احکام و اصول شرعی است نه قوانین وضع شده از سوی بشر. از آنجایی که اجماع بر این موضوع وجود دارد که اختلافات واقعی در استنباط از احکام و اصول شرعی به صنعت خدمات مالی اسلامی لطمه می‌زند، از اینرو بررسی نظرات متعدد کارشناسان دینی و انتخاب مناسب‌ترین نظر را نمی‌توان به عنوان شیوه‌های قابل قبول در نظر گرفت.

۱۱۵- موسسات خدمات مالی اسلامی باید متوجه این موضوع باشند که به هنگام تبعیت از نظر شرعی خاصی به جای سایر نظرات، ریسک شهرت را نیز لحاظ نموده و به خوبی چنین ریسکی را مدیریت کنند. بر این اساس، مشاوره با کارشناسان دینی به منظور تشریح دلیل انتخاب یک فتوای خاص به عموم ضروری است.

۱۱۶- ممکن است احتمال سوءاستفاده در چنین روشی به دلیل وجود کارشناسان دینی فاقد صلاحیت که به نادرستی ادعا دارند که از دانش، صلاحیت و تجربه کافی برخوردار هستند، افزایش پیدا کند. بنابراین، به منظور تقویت اعتماد عمومی، مناسب است که موسسات خدمات مالی اسلامی در گزارشهای سالانه و درگاه خویش صلاحیتهای حرفه‌ای کارشناسان دینی که فتاوی صادر می‌کنند، همچنین چگونگی دستیابی به ایشان و شرایط لازم برای تطبیق را منتشر نمایند. این امر نه تنها سبب ترویج فرهنگ شفافیت و پاسخگویی در موسسات می‌گردد بلکه در میان کارشناسان دینی و در راستای بهترین شیوه‌های توصیه شده تحت اصل

(۳-۱) این سند، رویکرد حرفه‌ای تری را به منظور فراهم‌سازی خدمات پایش و مشاوره منطبق با شریعت ایجاد می‌نماید.

اهداف

۱۱۷- تأکید بر این است که موسسات خدمات مالی اسلامی ملتزم به نظرات شرعی کارشناسان دینی که خود انتخاب کرده‌اند خواهند شد و این امر نیز منجر به تقویت شهرت، افتخار و اعتبار اخلاقی خدمات مالی اسلامی در راستای آموزه‌های اسلامی مبنی بر امانت و صداقت می‌شود.

۱۱۸- به منظور حفظ صداقت و اعتبار صنعت خدمات مالی اسلامی به صورت کلی و موسسات خدمات مالی اسلامی به طور خاص، می‌بایست بیشترین احترام به کارشناسان دینی متخصص و مستقل گذاشته شود. افشای کافی و مناسب از سوی موسسات خدمات مالی اسلامی به نهادهای حاکمیت نظیر کمیته حاکمیت، همچنین واسطه‌های اطلاعاتی مصرف‌کنندگان همانند تحلیل‌گران مالی و رسانه، اجازه کنترل و پایش موسسات را از حیث التزام به فتاوی شرعی صادره از سوی کارشناسان دینی موسسات را فراهم می‌سازد.

بخش چهارم - شفافیت گزارش‌گری مالی در ارتباط با حسابهای سرمایه‌گذاری

اصل ۴: بایسته است موسسات خدمات مالی اسلامی افشای به موقع و کافی اطلاعات اساسی و مرتبط حسابهای سرمایه‌گذاری که اداره می‌نمایند را به صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم فراهم نمایند.

مبانی

۱۱۹- نیاز به شفافیت نشأت گرفته از مشکل عدم تقارن اطلاعاتی است. شفافیت، "مخالف سری بودن است"، چنان که ریشه در معانی امانت و وضوح دارد. با توجه به مفاد روشهای حاکمیت مطلوب، شفافیت مشتمل بر "خودافشایی" یا "تنظیم از طریق شناسایی اطلاعات" به عنوان مکانیزمی است که اعلان اطلاعات در مورد خط‌مشی‌ها، توانایی‌ها و ترجیحات را تسهیل می‌نماید.

۱۲۰- در بازار سرمایه، شفافیت هنگامی "هزینه‌های ابهام" را مورد بحث قرار می‌دهد که نقص اطلاعاتی به کارایی بازار لطمه وارد سازد. پس پایین‌ترین سطح شفافیت اطلاعاتی بازار، بالاترین هزینه مبادلات را به همراه خواهد داشت. از این‌رو، نقص شفافیت، هزینه سرمایه را در به کارگیری این سناریو در خصوص حسابهای سرمایه‌گذاری که توسط موسسات خدمات مالی اسلامی اداره می‌شود (منظور، محیط اطلاعاتی ضعیف) را افزایش می‌دهد. پس نقص شفافیت ممکن است مشتریان احتمالی را از گشایش حساب سرمایه‌گذاری نزد موسسات بازداشته و به تبع آن توانایی موسسات را در تجهیز منابع بیشتر کاهش دهد.

۱۲۱- مشارکت شفافیت در تخصیص کارای منابع از طریق تاکید بر این موضوع است که صاحبان حساب سرمایه‌گذاری اطلاعات کافی به منظور شناسایی ریسکها و تمایز موسسات خدمات مالی اسلامی از یکدیگر را در اختیار دارند. مهمتر آنکه شفافیت کمک به فراهم نمودن اطلاعاتی برای این افراد در خصوص انتظارشان از یک حساب سرمایه‌گذاری می‌نماید که به نوبه خود اعتبار و پاسخ‌گویی را نیز به همراه خواهد داشت.

۱۲۲- شفافیت به طور کامل با الزامات شرعی متناسب می‌باشد، چنانکه قرآن به طور خاص مخفی نمودن ادله را تحریم نموده است:

"... وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَ مَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ" (بقره ۲۸۳).

این بدان معناست که تقارن اطلاعاتی به منظور کسب عایدی غیرعادلانه در مبادلات حرام است. افشای کافی و به موقع توسط موسسات خدمات مالی اسلامی به مقامهای نظارت،

صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم در خصوص اطلاعات محاسبه سود، تخصیص دارایی، راهبردهای سرمایه‌گذاری و مکانیزمهای تعدیل سود (در صورت وجود) مربوط به حسابهای سرمایه‌گذاری که اداره می‌نمایند، نشان دهنده تمایل موسسات به تحمل مسئولیت در قبال سیاستهای سرمایه‌گذاری و اخذ تصمیمات به عنوان رب المال می‌باشد.

۱۲۳- با شفاف بودن در قبال: مقامهای نظارتی، صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم در هر جنبه‌ای از حسابهای سرمایه‌گذاری، موسسه کمک به آموزش صاحبان حساب سرمایه‌گذاری و عموم نسبت به ریسک و بازده حسابهای سرمایه‌گذاری تحت اداره خود می‌نماید. این امر موجب می‌شود که ماهیت حسابهای سرمایه‌گذاری از سپرده‌های متداول تمیز داده شود. نهایتاً موجب ایجاد فرهنگ شفافیت و انضباط میان موسسات شده و محیط اطلاعاتی مطلوب را ارتقاء داده و استفاده کارا از سرمایه و کاهش هزینه را تقویت می‌نماید.

۱۲۴- شفافیت موجب تسهیل در پایش انطباق با تعهدات تحت قرارداد و الزامات مربوط به موسسات خدمات مالی اسلامی شده و کمک به جلوگیری از اختلافات نیز می‌نماید. همچنین شفافیت ابزاری مهم برای ترویج رقابت عادلانه و منصفانه در صنعت خدمات مالی اسلامی از طریق اجازه دادن در دسترسی به اطلاعات حیاتی به شمار می‌رود. لازم است صاحبان حساب سرمایه‌گذاری دستیابی مشابهی به اطلاعات موسسه عرضه‌کننده حسابهای سرمایه‌گذاری داشته باشند تا بتوانند سطح موردنظر از حسابهای سرمایه‌گذاری متناسب با اشتیهای ریسک خود را بیابند.

تعاریف

در ادامه تعریفی از واژگان به کار رفته در این سند به منظور ایجاد ادبیات مشترک ارائه می‌شود. البته باید توجه داشت که این تعاریف، لیست کاملی از کلیه واژگان نمی‌باشد.

<p>مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیات مدیره، سهام داران و سایر ذی نفعان که ساختاری را در خلال موارد زیر فراهم می‌سازد:</p> <p>الف- تعیین اهداف مشترک؛</p> <p>ب- تعیین ابزاری جهت دستیابی به این اهداف و پایش عملکرد. حاکمیت شرکتی مطلوب موسسات خدمات مالی اسلامی می‌بایست مشتمل بر موارد زیر باشد:</p> <p>الف- وضع ترتیبات سازمانی که عملکرد مدیریت موسسه را در حد امکان با منافع ذی نفعان تنظیم نماید؛</p> <p>ب- تدارک مشوق‌های مناسب برای نهادهای حاکمیتی نظیر هیات مدیره، هیات نظارت شرعی و مدیریت که به دنبال تحقق اهدافی هستند که منافع ذی نفعان را تامین و پایش موثر را تسهیل نموده و به تبع آن تشویق موسسات به استفاده از منابع کارا تر؛</p> <p>پ- التزام به اصول و مقررات شریعت.</p>	<p>حاکمیت شرکتی</p>
<p>دارندگان این حساب به موسسه خدمات مالی اسلامی اختیار می‌دهد که وجوهشان را بر مبنای عقد مضاربه یا وکالت و بدون هرگونه قیدی سرمایه گذاری نماید. موسسه نیز می‌تواند این وجوه را با وجوه خود درآمیخته و در یک پرتفوی مشترک سرمایه گذاری نماید.</p>	<p>حساب‌های سرمایه‌گذاری مطلق</p>
<p>دارندگان این حساب به موسسه خدمات مالی اسلامی این اختیار را می‌دهد که وجوهشان را بر مبنای عقد وکالت یا مضاربه سرمایه گذاری نماید؛ البته قیودی را نیز در این خصوص اعمال می‌دارند، همچون: محل، کیفیت و هدف سرمایه گذاری.</p>	<p>حساب‌های سرمایه‌گذاری مقید</p>
<p>مبلغی است که موسسه از درآمد مضاربه و پیش از توزیع سهم مضارب تخصیص می‌دهد تا سطح خاصی از بازده سرمایه گذاری</p>	<p>ذخیره تعدیل سود</p>

<p>برای دارندگان حساب سرمایه گذاری را حفظ نموده و حقوق صاحبان سهام را نیز افزایش دهد.</p>	
<p>ذخیره ریسک سرمایه گذاری همان مبلغ اختصاص یافته از سوی موسسات خدمات مالی اسلامی است که از درآمد دارندگان حساب سرمایه گذاری بعد از توزیع سهم مضارب و به منظور حمایت ایشان در قبال زیان های سرمایه گذاری آتی خارج می گردد.</p>	<p>ذخیره ریسک سرمایه گذاری</p>
<p>اشخاصی که دارای منافع مسلم در موسسات می باشند، عبارتند از: الف= کارکنان؛ ب- مشتریان (مشمول بر صاحبان حساب سرمایه گذاری و سپرده- گذاران عادی)؛ پ- عرضه کنندگان؛ ت- جامعه (و به طور خاص امت اسلامی)؛ ث- مقام های نظارتی و حکومتی، مبنی بر نقش منحصر به فرد موسسات در اقتصادهای محلی و ملی و سیستم های مالی.</p>	<p>ذی نفعان</p>
<p>مضاربه عقدی است که بین تامین کننده سرمایه و کارآفرین ماهر منعقد می شود که در آن تامین کننده سرمایه، سرمایه خود را در فعالیت و یا تشکیلات اقتصادی که توسط کارآفرین و به عنوان مضارب مدیریت می شود (تامین کننده نیروی کار)، به اشتراک می گذارد. سودی که از فعالیت و یا تشکیلات اقتصادی عاید می شود بر مبنایی با توجه به مفاد توافق مضاربه تسهیم می شود؛ البته زیان ها صرفا توسط تامین کننده سرمایه متحمل می شود مگر آن که سوءتصرف، اهمال و یا تخلف از شروط قرارداد از سوی مضارب سرزده باشد.</p>	<p>مضاربه</p>

مأخذ:

IFSB-3: "Guiding Principles on Corporate Governance for Institutions offering only Islamic Financial Services (Excluding Islamic Insurance (Takaful) Institutions and Islamic Mutual Funds)", December 2006.
<http://www.ifsb.org/standard/ifsb3.pdf>

استفاده از مطالب این مجموعه با ذکر منبع بلامانع است.